



خبرسازان

**نایب درمقالی تهاجم فرهنگی منتقل بود**  
سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه نباید در مقابل تهاجم فرهنگی مغفول بود و سیاستگذاری، تقویت شرایط و نظارت را محور اساسی برای غلبه بر این تهاجم فرهنگی اعلام کرد. اینگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

**ضرورت مبارزه پیشگیرانه با فساد**  
علی افغانمندی، رئیس گروه اقتصادی دفتر مقام‌معمورهی در همایش روز جهانی مبارزه با فساد با اشاره به لزوم مبارزه پیشگیرانه در مبارزه با فساد تأکید کرد. اطلاع‌رسانی در باره فساد مستمر با جزئیات باشد، نه اینکه به پایان بررسی‌ها موقوف ایستد.

**واکنش تهران به تحریم‌های ضد ایرانی**  
ناصر کتعمانی، سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به تحریم‌های جدید آمریکا، انگلیس و کانادا علیه برخی اتباع ایرانی، گفت: حق ایران است اقدام متقابل و متناسب محفوظ است و این کشورها باید به عنوان شرک‌بچرم کل اروپا پاسخگو باشند.



**شورای اتلاف به خاطر تکرارها تغیر مسیر نمی‌دهد**  
امیرابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران در بیانیه‌ای اعلام کرد که شورای اتلاف با تکرار این کشور نمی‌تواند مسیر حرکتش را به خاطر سدهای که حاضر به تمدن‌داری نیستند، تغییر دهد. گفت: حقوق ایران در برابر تکرار این کشورها محفوظ است و ما در حال ارزیابی این وضعیت هستیم. اما هنوز به مدل قطعی نرسیده‌ایم و همچنین تأکید کرد که شورای اتلاف در مرحله تصمیم‌گیری است و عملیاتی‌سازی آن به شورای اتلاف است. شورای اتلاف به منظور بررسی و پیگیری مواردی که در این سالها اعلام کرده‌اند در این کشور به روی همه جریان‌هایی که دل در گرو انقلاب‌سالاری و جمهوری‌سالاری دارند باز است. اما در خصوص کسانی که حاضر نیستند نظر جمعی را بپذیرند و دور میز شورای اتلاف بنشینند و اساساً ملاحظه‌اند به تکراری هستند، نمی‌توانیم در کشور برای آنان برنامه‌ای داشته باشیم.

**۴ ضلع محوری انتخابات**  
محمدرضا مصلی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در نشست شورای وزیران گفت: مجلس با تأکید بر اینکه سلامت، قانیت، مشارکت و امنیت ۴ ضلع اصلی انتخابات است. گفت: این ۴ ضلع را می‌توان به چهار ضلع دیگر تقسیم کرد: قانیت است، امنیت باشد، سلامت انتخابات در آن نقش دارد. قیاسی باید با همه نیروهای فعال نقش در کشور باید با همه توان و با دربرداشتن گام‌های بلند، بسیاری تحقق این اهداف مهم بگوشند. خانه‌مملت

خبرهای کوتاه از دنیای سیاست

- سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در واکنش به توتی قطعنامه ات‌تیس‌تس غزه در فضای مجازی نوشت: «هر یکا مهم‌ترین حاشی‌کنش زان و کوکان غزه است»
- علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار با نخست‌وزیر سوریه، بر گسترش همکاری‌های محور مقاومت به سطوح اقتصادی تأکید کرد.
- عسکال علی نعمان‌نگان، مجلس از آذربایجان دولت‌سیزدهم اعلام وصول شد.
- میسدی بزادان‌بنده، معاون حقوقی سازمان اداری و استخدامی از هدف‌گذاری برای جذب هزار تنه در دستگاه اداری کشور خبر داد.
- بررسی مجدد طرح دورقرینی شفافیت قوای سه‌گانه در دستور کار جلسات هفته جاری کمیسیون امور داخلی کشور در مجلس قرار گرفت.
- کلیات لایحه اجاز اختلاف شرکت سهامی بیمه ایران و دولت یادشاهی، آخرین به دیوان داوری در محن علی مجلس تصویب شد.
- حمیدرضا احمدی، به‌عنوان سرپرست جدید سرکسکالوگری ایران در مراسم شرف‌آه‌افغانستان ولی‌الله محمدی نص‌ایادی به‌عنوان مسافر جدید ایران در مازنی معرفی شدند.
- کلیات و جزئیات لایحه موافقت‌نامه همکاری بین ایران و روسیه در حوزه امنیت‌اطلاعات از سوی نمایندگان مجلس به تصویب رسید.

**۲ خربوب برای سریران**  
روز یکشنبه ۲ خربوب برای سریران اعلام شد. محسن دهنوی، عضو اب‌رتیس‌ه مجلس با اعلام افزایش حدود ۲۰ درصدی حقوق سریران از آژماه، از نگاه مثبت ستاد کل نیروهای مسلح به منظور افزایش قرارد سریرای خبر داد.



**آزادی زندانیان به‌دکار جرائم غیرعمد از دستاوردهای سفرهای استانی است.** پس از آنکه در سفر آبان رئیس‌جمهور به کردستان شرایط آزادی ۱۵۰ زندانی جرائم غیرعمد فراهم شد. در جریان سفر سیدابراهیم رئیسی به البرز نیز ۲۳ زندانی به‌دکار جرائم غیرعمد آزاد شدند.

عصر جدید پهبادی ایران

گروه‌های پروازی پهباد «کرار» مسلح به موشک «مجید» به یگان‌های نیروی پدافند هوایی ملحق شدند



به موشک «مجید» بود که گام بلند دیگری از سوی ارتش با هدف ارتقای توان رزمی واحدهای پدافند هوایی کشور برداشته شده است. پهباد این الحاق، پهبادهای رهگیر کرار در مناطق پدافند هوایی شمال غرب، غرب، جنوب غرب، جنوب، جنوب‌شرقی و شرق کشور به کار گرفته می‌شوند؛ دستاوردی که بر اساس آن، عملیات رهگیری و انهدام هدف‌های متخاصم با هزینه‌ای بسیار کمتر از به کارگیری هواپیماهای با سرشتین شکاری و با در صد خطر کمتر، انجام می‌شود. از سوی دیگر با این الحاق، بخش عمده‌ای از عملیات پدافند «هواپایه» به صورت تاکتیکی و در هر کشور به کار گرفته می‌شوند؛ دستاوردی که بر اساس آن، عملیات رهگیری و انهدام هدف‌های متخاصم با هزینه‌ای بسیار کمتر از به کارگیری هواپیماهای با سرشتین شکاری و با در صد خطر کمتر، انجام می‌شود. از سوی دیگر با این الحاق، بخش عمده‌ای از عملیات پدافند «هواپایه» به صورت تاکتیکی و در هر

**غیرضا احمدی**  
روزنامه‌نگار

**از ن‌سازی دفاع هوایی**  
طی سال‌های اخیر نیروهای مسلح ایران در بخش‌های مختلف و به‌ویژه پدافند هوایی ارتش، تسون ویزهای را برای خود تقویت کرد. در حوزه رزم هوایی صرف کرده‌اند؛ رویکردی که نقیوس تسون پهبادی و همچنین «طرح هدهو» و حامل‌هواپزایی، روزافزون وزارت دفاع و نیروی پدافند هوایی ارتش است. طرح رسول که در نخستین روزهای آبان‌ماه ۱۴۰۲ و در قالب رزمایش پهبادی ارتش رزمایی شد، مرحله‌تست‌های میدانی و عملیاتی‌گسترده و حساس پروازی را در پست‌های پهباد و بر اساس آن، توانایی «ردگیری» و «درگیری» علیه هر گونه پرسنده و اهداف متخاصم محقق شده است.

گزاره: بمب‌افکن بدون سر نشین ایرانی

پهباد چندمنظوره «کرار» که قابلیت حمل طیف وسیعی از انواع تسلیحات «هوا به هوا» و «هوا به سطح» را دارد، با مجهز شدن به موشک مجید، قرار است نقشی محوری در حوزه پدافند هوایی کشور ایفا کند. در ادامه با مشخصات و ویژگی‌های این پهباد بیشتر آشنا می‌شوید.



- ویژگی‌ها**
  - تسخین جت بمب‌افکن بدون سر نشین ایرانی
  - برخورداری از قابلیت حمل طیف وسیعی از انواع تسلیحات، از جمله موشک کرار
  - تعیین نسخه‌های متفاوت با توجه به ملوریت‌های متنوع
  - دارای موتور تویپوت
  - دارای ملوریت پروازی بالا در مسافت‌های دور مدت
  - برخورداری از سرعت بسیار بالا
  - دارای توان انجام دامن ملوریتی مختلف با اهداف گوناگون
  - برخورداری از توان ایجاد قفل راداری روی هدف مورد تسلیحاتی در آسمان
  - هدیه‌باز به بلند پروازی
  - دارای توان درگیری با اهداف سرعت بالا
  - بره‌شدنی از توان کشنده و درگیری با اهداف دشمن در حداقل زمان ممکن
- مشخصات**
  - نوع: پهباد چندمنظوره ایرانی
  - موتور: تویپوت
  - طول: ۳۷۵
  - ارتفاع: ۱۸
  - طول بال: ۲۸
  - برد عملیاتی: تا ۵۰۰ کیلومتر
  - بیشینه سرعت: در هر ساعت ۲۰۰ کیلومتر
  - بیشینه سقف: ۹۰۰۰ متر
  - وزن: ۵۰۰۰ کیلوگرم
  - سقف پروازی: ۱۲۰۰۰ تا ۱۳۱۰۰ متر
  - وزن تسلیحات قابل حمل: ۲۵۰ کیلوگرم

قابلیت‌های ویژه موشک «مجید»

موشک پدافندی «مجید» که روی پهبادهای «کرار» نصب شده و در قالب گروه‌های پهبادی، نیروی رزم پدافند هوایی کشور را در تکرار و پیگیری اهداف تاکتیکی مهمی است. این دستاورد بومی نیروهای مسلح می‌تواند به ۲ صورت حرزتی و تصویری هدف را درگیری و دنبال کند.

- پره‌شدنی از توان غلغلگی کردن سامانه‌های پدافندی دشمن
- استفاده از جیت‌وجوگر غیرفعال یا «سیسو» از نوع اینتیکتی
- تأمان اصابت به هدف به اندازه حدت از سوسی واحد
- پرباب‌شدنی در ارتفاع



خبرسازان

**حزب الله لبنان در حمایت از مقاومت**  
دبیر‌مدینه مردم غزه لشکر ۹۱ پدگان بریتانیا راه‌دفر قرار دادند.

زنده یاد مقاومت @amnyat13  
شهدای عزیز حزب الله شریفترین، زیباترین و مومنتین جوانان اسلام خود را فدای کشتن بری شرف و عزت اسلام و مسلمانان تا شهادت و مقاومت هست هیچوقت استمدارگان و خونخواران عالم نمی‌خوانند بر ما مسلط شوند.



آرشف @Mr\_dani0  
اسمش هدی است، شهید حزب الله دوست‌دشمنی می‌گفت ما ما زیباترین جوانان خود که در بهار عمرشان هستند، می‌جنگ صهیونیست‌ها را فتنیم، حسرت می‌خورم و خجل هستم که چرا در کشتن آن تسخیم

احمد جانان @Ahmad\_jan\_jan  
این بچه خوشگله‌گانی جناب تو دل برو، ممکن است استیلا نیستن‌ها شهنای حمله حزب الله به پایگاه‌های مرزی اسرائیل.

خبرسازان

**سنگین‌ترین نیروهای مسلح بین‌دشمنی**  
فغان‌ده‌لوی مردان‌زادان تونر غزه بودند، کشتی‌هایی که مستقیم به صهیونیست می‌روند از هر ملتی باشند، جانگیزی خواهیم کرد.

محمد نصوحی @Mohamad\_Nosochi  
بچی سریع، سنگین‌ترین ارتش یمن؛ هرگونه کشتی که عارم سرزمین‌های اشغالی‌ها، هدفی مشروع برای ما خواهد بود. یمن‌آزادین به این شجاعت و ایمان؛ دو سلاخی که بین نیروهای شبانظی امریکایی و اسرائیلی بیانیدند.

فصلی

جاسوس سوئدی پای میز محاکمه

تسخین جلسه دادگاه رسدگی به اتهام‌های «یوهان فلوروس»، نیمه سوئدی دستگیر شده به اتهام جاسوسی در برهه ۱۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد. بر اساس آنچه سرگز سه‌فوقه قضایی در این زمینه منتشر کرده، همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی، اتهام محوری این تبعه سوئدی است که اکنون بره‌شدنی از سوی دستگاه قضایی در حال رسدگی است. در این‌باره این دادگاه که به ریاست قضایی افتخاری برگزار شده، نماینده دادستان کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرای تهران از اقرار کرد که کیفرخواستی که مبنی بر «فساد مالی» و «تأمین‌گسترده علیه امنیت کشور» به یوسف همکاری اطلاعاتی گسترده با رژیم صهیونیستی، بود. به گفته نماینده دادستان، بر اساس گزارش وزارت اطلاعات و مستندات ارائه شده، در طول با عوامل رژیم صهیونیستی در ارتباط بوده و در زمینه جمع‌آوری اطلاعات به نفع این رژیم در قالب پروژه‌های با مدار با محوریت مؤسسات امریکایی، اسرائیلی و اروپایی شناخته شده‌اند. در این حوزه، علیه ایران فعال بوده‌اند. از جمله اقدام‌هایی این متهم سوئدی که در کیفرخواست به آنها اشاره شده می‌توان به ملوریزداری اشاره کرد. ارتباط تسکمی با عوامل و عناصر اتحادیه اروپا و نمایندگان مرتبط با گروهک دوررستی متناقضین اجزای پروژه‌های مختلف، با هدایت عناصر رژیم صهیونیستی و نقش آفرینی مؤسسات و سازمان‌های فعال در حوزه براندازی کشور ایران در قالب هیأت کمیسیون اروپا همزمان با همکاری با نهادها و سرویس‌های اطلاعاتی اروپا و اسرائیل در ایران با پوشش کارمند اتحادیه اروپا برقراری ارتباط شبکه‌ها در کشور با سایر عوامل سرویس اطلاعاتی سوئد اقدام و فعالیت در پروژه‌های براندازی و انتقال پول به ایران در قالب پروژه‌های اشاره شده همکاری و ارتباط اطلاعاتی در اتحادیه اروپا سفر به فلسطین اشغالی و ارتباط با عناصر و عوامل رژیم اشغالگر فلس جمع‌آوری اطلاعات از برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران که ارتباطی با حوزه جرحه‌ای فعالیت متهم نداشته‌است.



روزهای به سمت امید

علی روحانی معاون سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت اقتصاد در سخنانی تلخ پرانگیز گفت: فشارهای ارزی اصلی اقتصاد ایران ناترازی‌های بانکی - ارزی، رفاهی - مالیاتی، بودجه‌های انرژی و جامعی در اقتصاد بین‌الملل است که ریشه در دهه‌های گذشته دارند نکته مهم در سخنان علی روحانی به موضوع جامعی اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل بازمی‌گردد. در طول سال‌های گذشته بارها در موضوعاتی از جمله ناترازی نظام بانکی، ارزی، مالیاتی و حتی ارزی تأکید شده است اما موضوعی که توجه چندانی به آن نشده بحث تبدیل اقتصاد ایران از یک اقتصاد بسته به یک اقتصاد باز است. کرده‌اند اما این موضوع تاکنون به یک گفتمان قالب در اقتصاد ایران تبدیل نشده است. ضروری بر اقتصادهای توسعه یافته در نشان می‌دهد فقر با همه کشورهایی که وارد مسیر توسعه‌یافتگی شده‌اند، در گام نخست مزیت‌های نسبی خود را حفظ می‌کنند. بنابراین این موضوع را باید با سایر کشورهای بهبود داده‌اند. به بیان دیگر از اقتصاد بسته به سمت اقتصاد باز حرکت کرده‌اند. موضوعی که به نظر می‌رسد ریشه‌های آن را باید از اقتصاد ایران هم جست.

بازار

جزئیات نظارت بر بازار شب پلدا

مدیر کل دفتر بازرسی و نظارت بر کالاهای اساسی وزارت اقتصاد نظارت بر بازار شب پلدا را در آستانه شب پلدا از روز گذشته خبر داد. مسعود امراللهی در مورد جزئیات این طرح نظارتی به این مناسبت گفت: هر سال باز نزدیک شدن به این مناسبت سنتی مردم به دنبال تهیه مایحتاج مخصوص این مناسبت می‌روند و تقاضای برای برخی کالاهای اصلی همچون میوه و اجناس و خشکبار افزایش می‌یابد. امراللهی ادامه داد: بر این اساس ما به عنوان دستگاه نظارتی بر بازار کالاهای اساسی با همکاری اتاق اصناف تعاون دو جانبه‌ای متعقد کردیم که به نظر می‌آید نظارت در حوزه عمده‌فروشی‌ها به بازرسی چهار کشور و واگذار شد و نظارت بر خرده‌فروشی‌ها هم به بازرسی اتاق اصناف شده است. بر مردم توجیهات کالاهای مورد نیاز خود را با قیمت مناسب و منطقی کنید.

انبار پلدا تا زمین است

زهره جلیلی مقدم، مدیرکل دفتر آزادسازی واردات کشاورزی با تأکید بر اینکه انبار مورد نیاز شب پلدا تا زمین است، گفت: اصل تولید بیش از یک میلیون و ۲۲۰ هزار تن از انبار کبکی در سطح ۹۱ هزار هکتار از باغ‌های کراسر سراسر کشور پیش‌بینی شده است.

سامانه برای عرضه خودروهای «نفروش» باز شد

سومین دور عرضه خودروهای داخلی از امروز با معرفی ۷ محصول مونتاژی در سامانه فروش یکپارچه آغاز شد

نوع خودرو	مدل	قیمت
خودرو	هیاوا Xv	۱۰۰ میلیون
خودرو	ایران خودرو	۸۰ میلیون
خودرو	پارس	۷۰ میلیون
خودرو	تارا	۶۰ میلیون
خودرو	کامران	۵۰ میلیون
خودرو	کی ام سی X5	۴۰ میلیون
خودرو	دایان Y7	۳۰ میلیون
خودرو	تیگارد X35	۲۰ میلیون

**شرایط عمومی ثبت‌نامه‌ها:**

- هر که ملی مجاز به خرید یک دستگاه خودرو است.
- حاصل‌کننده مجاز متقاضیان خرید خودرو ۱۸ سال است.
- داران خودروسازها باید برای متقاضیان ایرانی خودرو و سایر شرکت‌های خودروساز به هر طریق نتوانند که امکان ثبت‌نام نمایند.
- فعل امکان ثبت‌نام ندارد.
- انتقال امتیاز و حقوق بانکی از خرید خودرو به اشخاص احسن صورت می‌گیرد و نیز فروش حواله خودرو بصورت وکالتی ممنوع است.

**زمان ثبت‌نام:** ۲۳:۰۹ روز چهارشنبه ۲۴ آذر

**مدت زمان تحویل خودرو:** حداکثر ۳ ماه



سید صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به افزایش مستمری معطلان و اختصاص ۲۶ هزار واحد مسکنی به آنها گفت: ساخت ۵۲ هزار واحد نیز برای معطلان برنامه‌ریزی شده است و باید همه تلاش‌ها برای برطرف کردن نیازهای معطلان انجام شود.

سک

چکش کاری طرح سامانه‌های اجاره

نمایندگان مجلس سار دیگر من طرح کنترل و سامانه‌های اجاره‌های املاک مسکنی را برای تأمین نظارت شورای نگهبان اصلاح کردند. طرح کنترل و سامانه‌های اجاره‌های املاک مسکنی همچنان مسلمان تریسده و من نهایی آن نظر شورای نگهبان است. واحد اجاره‌های املاک و بزرگ‌ترین مرکز اجاره‌های املاک در سطح کشور است. به نظر می‌رسد این آخرین اصلاحیه طرح باشد. به گزارش مهر، طرح اجاره مسکن در دستور کار مجلس بوده اما این طرح از جبهات مختلف قاندر به تأمین نظارت شورای نگهبان بوده و با مغایرت قانونی و شرعی، راه‌دشواری برای تبدیل شدن به قانون داشته است.

**طرح‌های عرضه:**

- طرح حمایت از خانواده و جمعیت
- طرح خودروهای فرسوده
- طرح عادی

**شرایط متقاضیان:**

هستند. امکان ثبت‌نام و انتخاب خودرو دارند.

۱- برای همه متقاضیان مرحله اول و دوم سامانه یکپارچه که موعده زمانی تحویل خودروی آنها فصول آبی و با سال ۱۴۰۲ تعیین شده امکان لغزش و انتخاب خودرو را در محصولات عرضه شده میسر است.

۲- همه متقاضیان که تاکنون در سامانه ثبت‌نام نداشته‌اند و دارای شرایط عمومی تعیین‌شده در ماده ۴ دستورالعمل تنظیم بازار خودروی ساری توسط شورای رقابت (حداکثر هر روز) برای تکمیل وجه اقدام کنند.

**آگهی مناقصه عمومی**

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۴۹۰۰۵۵

موضوع: **تعمیر و نگهداری سیستم‌های تهویه مطبوع در مراکز دولتی**

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

**آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای**

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۴۹۰۰۵۵

موضوع: **تعمیر و نگهداری سیستم‌های تهویه مطبوع در مراکز دولتی**

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

**آگهی مزایده عمومی**

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۴۹۰۰۵۵

موضوع: **مزایده برای خرید خودروهای دولتی**

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

**با هم مشهوری در متری دید شوید**

تلفات محیطی ایستگاه‌های مترو

تلفات بدنه قطار

تلفات درون واگن‌ها







# مشرق العربي



# هجمات

## خسائر الملاحة البحرية الإسرائيلية



أفاد مسؤول إسرائيلي أن الكيان يعيش حالة من الحصار البحري جراء التهديدات المبنية والتي أدت إلى ارتفاع تكاليف الشحن والنقل البحري بسبب الدوران حول قارة أفريقيا للوصول إلى الأراضي المحتلة. و ما يزيد الأمر تعسفاً وهو زيادة ثلاثة أسابيع في زمن الوصول، ما يسبب في ارتفاع الأسعار وفرض المشاكل على عائق الكيان الاقتصادي.

## أبو عبيدة متوعداً بالإحتلال: ليتوقع الإحتلال ضربات جديدة

توعد أبو عبيدة، الناطق باسم القسام، الإحتلال بهزيمته من الضربات وأكد أنها لن تستطيع استعادة أسراها أحياء دون تبادل وازول عند شروط المقاومة. وأضاف مؤكداً "لا نتباهو ولا حكومتنا ولا صهيينة البيت الأبيض يستطيعون تحرير جندي واحد والعملية الفاشلة أثبتت ذلك". في إشارة إلى إفشال محاولة تحرير أسير إسرائيلي ومقتله قبل أيام.

## كيف نجح اليمن في تثبيط الملاحة البحرية الإسرائيلية؟

مستنفذ غزة وأزمات الإحتلال الإقتصادية في الداخل

## المقاومة برواية الرموز

على طول عدّة عقود من إحتلال الأراضي الفلسطينية، على عيشته وبنائه على ذلك، يعتبر موسم قطف هذا الثمار موعداً للإحتفال والفرح في فلسطين تقديراً، وبحسب تقرير الأمم المتحدة، فقد دمر الصهاينة خلال الأشهر الخمسة الأولى من عام ٢٠١٣، أكثر من ٥ آلاف شجرة زيتون في الضفة الغربية.

حظلة هي أشهر الشخصيات التي رسمها ناجي العلي في كاريكاتوره، وعش صبياً في العاشرة من عمره، أدار حظلة ظهره للقارئ وعقد يديه خلف ظهره عام ١٩٧٣ م. أصبح حظلة بمثابة توقيع ناجي العلي كما أصبح رمزاً للبوذية الفلسطينية. يقول ناجي العلي أن الصبي ذا العشرة أعوام يمثل سنه حين أجبر على مغادرة فلسطين ولم يتقدم في العمر حتى يستطيع العودة إلى وطنه، إدارة الظهور وعقد اليدين يرمزان لرفض الشخصية للحلول الخارجية، لبسه (ارتدائه) ملابس مرهقة وظهوره حافي القميص يرمزان لامتناعه للفكر. ظهر حظلة قديماً بعد بعض الحرات راشقاً الجارية (تجسيداً لأطفال الجارية منذ الإنتفاضة الأولى) وكاتباً على الجانط. أصبح حظلة أيضاً لسانجى العلي، كما ظل رمزاً للبوذية الفلسطينية والتحدى حتى بعد موت مؤلف الشخصية.

**المفتاح: رمز لأمل وللعودة**  
ففي عام ١٩٤٨ م، عندما قام الصهاينة بتهجير ما لا يقل عن ٧٥٠ ألف فلسطيني من منازلهم، أخذ الفلسطينيون مفاتيحهم معهم؛ لأنهم كانوا على يقين أنهم سيعودون ذات يوم، ولا يزال الكثيرون يحملون مفاتيح منازل أجدادهم كرمز للأمل والقرار على العودة. لقد تم توارث هذه المفاتيح من جيل إلى جيل وتم الحفاظ عليها كرمز لحق الفلسطينيين في العودة.

**خريطة فلسطين**  
باتت خريطة فلسطين التاريخية قبل احتلال العدو الصهيوني لفلسطين عام ١٩٤٨ م، أحد رموز فلسطين التي تؤكد على حق الفلسطينيين في حق هؤلاء في امتلاك وطنهم. في عام ١٩٤٨ م، اجتمعت الصهاينة ٢٧٨ من أرض فلسطين التاريخية، والـ ٣٣٢ المتبقية مقسمة إلى الضفة الغربية وقطاع غزة.



## مضيق باب المندب..

سلاح يمني في حاصرة إسرائيل  
**أهمية مضيق باب المندب عالمياً**  
باب المندب هو مضيق بحري يمتد بين البحر الأحمر والبحر العربي  
ممر مائي إستراتيجي يربط أسيا وأفريقيا يذوي دوراً مهماً في التجارة العالمية ونقل البحري  
يمر نحو 7١% من التجارة العالمية عبر باب المندب أي ما يعادل نحو

**1.2T\$**  
**اليمن يتحكم في مضيق باب المندب**  
يتمتع اليمن بوقوع إستراتيجي، مثل على مضيق باب المندب، يمكنه من تعطيل، من خلال إتخاذ عدد من الإجراءات، الأمر الذي يجعل موقع اليمن سلاحاً حقيقياً في مواجهة أي تهديد أو عدو

**أهمية باب المندب بالنسبة إلى إسرائيل**  
يوفر المضيق رابطاً بحرياً بين إسرائيل والعالم الخارجي.  
من احتياجات إسرائيل من الطاقة تستورد 80% من الخارج ويمر معظمها عبر باب المندب  
في عام ٢٠١٣، بلغ إجمالي واردات النفط الإسرائيلية عبر باب المندب نحو 100 مليون طن  
تعتمد إسرائيل أيضاً على باب المندب في نقل كميات كبيرة من البضائع الأخرى، مثل العنبر والمواد الخام

**تأثير تعطيل باب المندب في إسرائيل**  
إذا تمكّنت حركة أنصار الله من تعطيل باب المندب بصوره أتمه أمام السفن الإسرائيلية، فسوف تنكمق أسرابها بالتهديد اقتصاد الكيان الإحتلال. وسوف يذوي ذلك إلى ارتفاع أسعار النفط وزيادة صعوبة الحصول على البضائع الضرورية، بالإضافة إلى منع الصادات الإسرائيلية من المرور عبر هذا المضيق



## الرأي

د. محمد علي منبوري: خير سياسي

## حرب تقنياتها وحياته السياسية



احتجاجات "السبت العظيم" عادت إلى شوارع تل أبيب مرة أخرى، تهدف إلى الإطاحة بحكومة نتنياهو، وأما الأسباب فقد تحولت من الاعتراض على التعديلات القضائية إلى المطالبة بالتفاوض من أجل إطلاق المحتجزين الإسرائيليين جميعاً. إن استئناف هجمات النظام الصهيوني على غزة وعدم قبول تمديد وقف إطلاق النار أظهر أنه خلافاً للاعتادات الأمريكية وقادة نظام الاحتلال، ومؤكداً إنهم غير معينين بأي حلول سياسية لازمة لاستمراره لأكثر من شهرين منذ بدء الحرب. وأما عن تأثير الحصار، ففي فيديو تم بثه، أشارت "ديتزا هيمن" وهي مستشارة إسرائيلية تم إطلاق سراحها مؤخراً إلى أن الطعام لم يكن وفيراً في البداية ولكن مع مرور الوقت أصبح الطعام أقل وأقل، وهذا يعني فرض حصار ليس على الفلسطينيين المدنيين وحسب، بل على المحتجزين الإسرائيليين كذلك. أدت الاحتجاجات المستمرة منذ أكثر من عام في أيام السبت عبر وسائل الإعلام تجد طرفها إلى الفئات الشعبية المعارضة في إسرائيل. لعل أهم التصريحات في شأن عملية التبادل جاءت عبر خليل الجيبة عضو المكتب السياسي لحركة حماس، حيث أكد أن حماس حريصة جداً على تبادل النساء والأطفال في أسرع وقت ممكن.

إلى جانب هذا، فقد أظهرت فيديوهات تبادل المحتجزين والأمري، والطريقة الإنسانية في التعامل الفلسطيني مع المحتجزين؛ بينما حاولت الإعلام الصهيوني ترويح الأكاذيب من قتل للنساء والأطفال إلى حالات اغتصاب وقطع للرووس. والحقيقة الأخرى هي أن استمرار الحرب وعدم تحديد وقف إطلاق النار يعني أيضاً فراه الوقت لتأجيل الاحتجاجات على مستوى البلاد في الأراضي المحتلة، ويعقد نتنياهو أنه يواصلته الجريمة والقتل يستطيع جعل أماله وأحلامه في تحقيق نصر يرمي في غزة إلى واقع يؤجل موته السياسي الحتمي.





# همیشه بازار



## دوست دارم اروپا بمانم

علی علیپور با وجود دوری ۱۰ ماهه از میادین می گوید که هنوز برای رفتن به جام ملت‌ها ناامید نیست

### سوره روز

## سرپرستی یا رئیس؟

وحید مرادی، سرپرست جدید فدراسیون والیبال برای انتخابات نامزدی کرده اما می گوید قصدش بازنشتنگی است

درست در روزهایی که همه منتظر بودند انتخابات برگزار و رئیس ۴ ساله آینده فدراسیون والیبال مشخص شود، یوزر ورزش تصمیم دیگری گرفت. در پیش بودن المپیک پاریس و شرایط سختی که تیم ملی برای گرفتن سهمیه دارد، این اطمینان را داده بود که وزارت ورزش انتخابات را به تعویق نمی اندازد اما با تشخیص کیومرث هاشمی، وحید مرادی، سرپرست شد و این تصمیم یک پیام مهم برای جامعه والیبال داشت. اینکه به این زودی‌ها قرار نیست انتخاباتی برگزار شود.

وزیر در حالی مرادی را به عنوان سرپرست فدراسیون انتخاب کرد که شرایط او تفاوت چندانی با جعفرزاده داورزنی نداشت. داورزنی، رئیس سابق فدراسیون به سن بازنشتنگی رسیده بود و نامزد دوره بعدی ریاست بود مرادی هم در فدراسیون داورزنی، نایب‌رئیس را به عهده داشت و در حالی نامزد انتخابات ریاست شد که صحبت از بازنشتنگی این مطرح بود. به هر حال سوال اصلی این است که چرا وزارت ورزش سرپرست فدراسیون را به کسی سپرده که خود او یکی از نامزدهای ریاست است؟ در حالی که انتظار می رفت داورزنی مرادی در نشست خبری اش درباره سرانجام مجمع انتخاباتی و اینکه انتخابات کی و با چه شرایطی برگزار می شود و شرایط حضور خودش در این مجمع انتخاباتی چیست توضیح بدهد. از برنامه های بلندمدتی که برای والیبال و آینده اش دارد حرف زد. هم وعده های او هم تیرکاتی که بعضی از افراد حاضر در نشست تاراش کردند. این شائبه را ایجاد کرد که آیا مرادی به عنوان سرپرست انتخاب شده است یا به عنوان رئیس فدراسیون؟

### معروف سرمرعی نیست

مرادی انتخابات سرمرعی برای تیم ملی مردان را در اولویت برنامه هایش قرار داده است. کاری که داورزنی در روزهای آخر ریاستش نتوانست به نتیجه برساند. خبر مهمی که او داد این بود که سعید معروف از لیست گزینه های احتمالی خارج شده و سرمرعی آینده تیم ملی که بهمن ماه معرفی می شود، حتماً خارجی خواهد بود. مرادی اعتراف کرد که یکی از موضوعات مورد اختلاف او داورزنی سر حضور معروف در این لیست بوده است. از نظر سرپرست فدراسیون، معروف یکی از پتانسیل های آینده است و انتخاب او در این مقطع، ضربه به او و سرمایه های او است. این نظر مرادی مورد تأیید کارشناسان هم هست. مرادی در نظر دارد اختیار انتخاب سرمرعی را به اعضای کمیته فنی بدهد. اما بعد از اینکه این کمیته کوچکتر و فنی تر از قبل شد، بعد از اینکه تیم ملی با پیروز عطایی به بن بست خورد، بعضی از مسئولان فدراسیون در حمایت از داورزنی مدعی شدند که بعد از لیگ ملتها اعضای کمیته فنی بودند که به ادامه همکاری با عطایی رای ای دادند و خواست داورزنی استخدام سرمرعی خارجی بود. حال آنکه مرادی در انتخاب سرمرعی جدید ملی به نتیجه نرسید. مسئولیت انتخاب اشتباه با سرپرست خواهد بود یا با کمیته فنی و مهمتر اینکه اگر رئیس که از مجمع رای اعتماد می گیرد با سرمرعی منتخب مرادی موافق نباشد، تکلیف چه می شود؟ مرادی در این باره توضیح داد: «ما اهل کردن گرفتن هستیم من به مدیریت حتمی مرکز اعتدالی ندارم. کمیته فنی سرمرعی را انتخاب می کند و هم آنها باید مسئولیت را بپذیرند و هم خود من مسئولیت این انتخاب را می پذیرم.» برنامه فدراسیون این است که قرارداد مرادی آینده شش ماهه باشد ولی در ۳ مقطع، یک، ۲ و ۳ ساله این قرارداد تمدید شود. در این شرایط رئیس جدید فدراسیون هم می تواند نظرش را اعمال کند.

### سرپرست نامزد ریاست نمی شود

اما موضوع مهمتر مرادی برای برگزاری انتخابات چه برنامه های دارد؟ خود او نامزد می ماند، بازنشته است یا نه؟ «من شانسافه بازنشته نیستم. بازنشتن من مطرح بود. یک هفته قبل از ابراهیم حکم سرپرستی بگیری بازنشتنگی بودم که در این مورد با بخش حقوقی و اباری وزارت ورزش اختلافاتی وجود داشت. حالا هم در خواست بازنشتنگی ادامه دادیم.» با این شرایط مرادی چرا برای ریاست فدراسیون نامزد شده؟ «موقع ثبت نام تصمیمی برای بازنشتنگی نداشتم.» او در نشست داورزنی اعلام کرد که تمایلی برای حضور در انتخابات ندارد و برگزاری انتخابات هم بستگی به نظر وزارت ورزش دارد. «اگر نظر وزارت ورزش بر این باشد که انتخابات تأخیر از سال جدید برگزار شود، ثبت نامهای قبلی تا هفته سوم اسفند اعتبار دارد اما اگر قرار باشد انتخابات بعد از المپیک برگزار شود، باید ثبت نام جدید انجام شود.» پیش از این شایعه شده بود که بعضی از کارشناسان والیبال از وزارت ورزش خواستند تا نامزدها دوباره نام نویسی کنند. آنها اعلام کردند که نامزدها در ۱۱ مرداد برگزار خواهند شد. در لیست نامزدها در این باره برای اداره فدراسیون باقی نماند.

**AFC ASIAN CUP QATAR 2023**

**032**

**روز مانده تا جام ملت های آسیا**

**پخش زنده**

لاگاموبیا

را بوبابیکانو

ستایکو

**برنامه بازی**

لیگ برتر ایران - هفته هفدهم ۹

چونشبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲

پر سولیس

استقلال

لیگ برتر ایران - هفته ۱۳

چونشبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲

تراکتور

پیکان

مس رفسنجان

ملوان

پارس جنوبی خلیج فارس

هوادار

سیاهان

شمس اذر

چمن نفت

الومینیوم

گلکهر

استقلال خوزستان

پر سولیس

خوب اهت

فولاد

استقلال

ساجی

www.hamshahrimarket.com

عجوبه های تاریخ فوتبال در بهترین قیمت







# اینجا با ۳۰ هزار آجر دست‌ساز ساختم

### گفت‌وگو با طراح میدانگاه جهاد که یکی از معتبرترین جوایز جهانی معماری را گرفت



۳۰ میلیارد تومان هزینه اجرای پروژه میدانگاه

مصالح این اثر هنری در برابر آلودگی هوا مقاوم است

۱۰۰ نقطه در تهران امکان اجرای طرح‌های مشابه



## حفظ حریم پایتخت در اولویت است

استاندار تهران به اختلافات اخیر میان حریم پایتخت و اسلامشهر واکنش نشان داد

صفحه ۱۴

شناسایی ۴۵۰ خانه پلاک‌قرمز در تهران

## خواستگار به کوچه مانمی آید

با مشارکت شهرداری و پلیس، ۴۰۰ پاتوق معتادان پلمب شد



صفحه ۱۴

با سن این کیو آر کد به بیننده ماجرای خانه‌های پلاک قرمز در محله های تهران پیوست

## انوبوس می‌خریم تا مردم در باد و سرما نباشند

رئیس شورای شهر از خودروسازان انتظار کرد که نتوانستند انوبوس‌ها را به‌عموم تولید دهند

صفحه ۱۵

گزارش تصویری

عکس‌ها از اسکن مکن تهران

## خودروهای تمام برقی تحویل تاکسیرانی شد

مراسم رونمایی از نخستین خودروی تمام برقی تولید داخلی با پلاک ملی با حضور علی‌حاج‌آقا، شهردار تهران و عباس علی‌آبادی، وزیر صمت برگزار شد. در این مراسم، ۸۸ دستگاه آریزو ۵ (EV5) که نخستین سری تحویل این خودروهاست، به یونگان حمل‌ونقل عمومی و حوزه تاکسیرانی کشور تزیق شد. همچنین در این مراسم، تفاهتمانه همکاری میان این شرکت خودروساز، سازمان تاکسیرانی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و شهرداری تهران امضا شد.



نگاه

حسین نعمت‌اللهی؛ دکترای مهندسی محضریست

## قدرت علم داده؛ تغییر مدیریت پسماند در ایران



مدیریت پسماند یک چالش مبرم جهانی است و کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. استفاده از علم داده در این زمینه می‌تواند تحولی اساسی ایجاد کند. در این مقاله، به بررسی چالش‌های فعلی مدیریت پسماند در ایران و راهکارهای مبتنی بر علم داده برای بهبود آن می‌پردازیم. همچنین به بررسی نقش فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و اینترنت اشیا در بهینه‌سازی فرآیندهای پسماند می‌پردازیم.

فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و اینترنت اشیا می‌توانند به مدیران پسماند کمک کنند تا داده‌های تولید شده را به‌کار ببرند و تصمیمات بهتری بگیرند. به عنوان مثال، با استفاده از علم داده، می‌توانیم بهینه‌سازی فرآیندهای جمع‌آوری و پردازش پسماند را انجام دهیم. همچنین می‌توانیم به شهروندان کمک کنیم تا با استفاده از اپلیکیشن‌ها و وبسایت‌ها، به‌راحتی پسماندهای خود را مدیریت کنند.

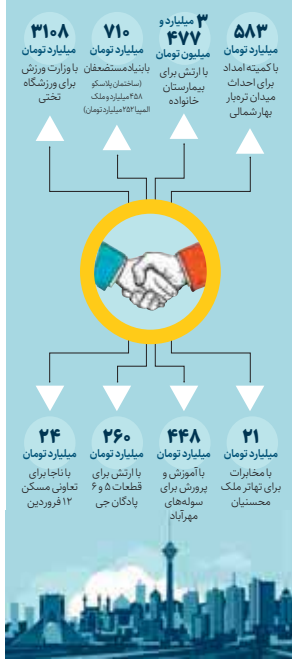
داده‌ها

زینب زنگنه؛ روزنامه‌نگار

گرافیک: علی کاظمی

## ۹ توافق میان شهرداری و دولت

براساس بندهای تبصره سوم بودجه ۱۴۰۲ تکلیفی برای شهرداری در خصوص تنظیم روابط مالی با دولت و مؤسسات مالی تعیین شده است. به‌عبارت‌دیگر شهرداری از این طریق برای باز شدن گره‌ها و تأمین خدمات استفاده کرده و به‌گفته‌ی مدیرعامل، کمیته بودجه و نظارت مالی شورای شهر تهران تاکنون ۱۰ توافق میان شهرداری، دولت، سازمان‌ها و... صورت گرفته که در مجموع ارزش این توافقات ۵۸۳ میلیارد و ۲۲۴ میلیون تومان بود که جزئیات توافقات به شرح زیر است:



یادداشت

محمود کامی؛ مدیرکل امور بین‌الملل شهرداری تهران

## پیدا و پنهان ماجرای ۱۷ هزار میلیارد تومان



موضوع شفاف‌سازی ۱۷ هزار میلیارد تومان در اقدامات شهرداری تهران در حین شورا با خبری‌های رسانه‌های زرد و مخالف و معاند به حاشیه‌ای برای شهرداری تهران و شورای شهر تبدیل شده است. این موضوع به‌طوری‌که در جریان جلسه‌ای که در روز دوشنبه ۱۳ شهریور ماه در جلسه‌ای با حضور اعضای شورای شهر تهران برگزار شد، به بحث و تبادل نظر رسید.

شورای شهر تهران در جلسه‌ای که در روز دوشنبه ۱۳ شهریور ماه برگزار شد، به بحث و تبادل نظر رسید. در این جلسه، اعضای شورای شهر تهران با حضور مدیرعامل شهرداری تهران و اعضای هیئت مدیره، به بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص موضوع شفاف‌سازی ۱۷ هزار میلیارد تومان پرداختند. در این جلسه، مدیرعامل شهرداری تهران گزارشی در خصوص اقدامات انجام شده در زمینه شفاف‌سازی بودجه و نحوه مدیریت منابع مالی شهرداری ارائه داد.

مدیرعامل شهرداری تهران در جلسه‌ای که در روز دوشنبه ۱۳ شهریور ماه برگزار شد، به بحث و تبادل نظر رسید. در این جلسه، مدیرعامل شهرداری تهران گزارشی در خصوص اقدامات انجام شده در زمینه شفاف‌سازی بودجه و نحوه مدیریت منابع مالی شهرداری ارائه داد. او به اهمیت شفاف‌سازی بودجه و لزوم پاسخگویی به شهروندان در استفاده از منابع مالی شهرداری تأکید کرد.













**سالانه ۲۰ میلیون قلم اسلوسین مصرف می‌شود**  
سیدحیدر محمدری، رئیس سازمان غذا و دارو، ۱۰ درصد افراد دنیایی در کشور اسلوسین قلمی مصرف می‌کند. دنیا به سمت تولید اسلوسین‌هایی با اثر طولانی حرکت می‌کند. تولید صرف برخی کشورها در مرحله تحقیقاتی و ارزیابی‌های بالینی است. سالانه ۲۰ میلیون قلم اسلوسین در کشور مصرف می‌شود.

**نیشن بلیغم** آرش یاقوفی؛ روزنامه‌نگار

**وظایف پروتئین‌ها در بدن که فکرش را هم نمی‌کنید!**

پروتئین‌ها از ترکیب چندین اسید آمینه ساخته شده‌اند. بدن به ۲۰ آمینو اسید نیاز دارد که ۱ اسید آمینه توسط بدن بسازد و بقیه را باید از رژیم غذایی دریافت کرد. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود. پروتئین‌ها در بدن شکر زایی که پروتئین همگن را می‌سازد مصرف می‌شود. اما ۹۱ اسید آمینه بایگمانده باید از رژیم غذایی مکمل شود.

**سرنگ به جای قیچی و سشوار**

دخالت آرایشگاه‌ها در امور پزشکی و زیبایی جرم است، اما فعالیت آرایشگرها در خدمات زیبایی همچنان ادامه دارد



**مریم سرخوش** روزنامه‌نگار

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

دانش پزشکی کردن آرایشگرها با اتفاق جدیدی نیست اما ادامه دار بودن دخالت‌های آنها در این امور نشان می‌دهد که اقدامات قانونی در این باره چندان جوابگو نبوده است. پیش‌ترها

**قانون چه می‌گوید؟**

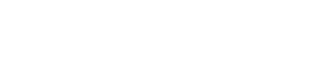
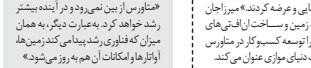
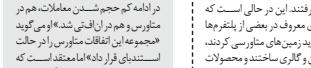
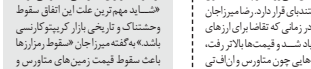
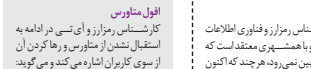
هرگونه تبلیغاتی در حوزه فعالیت‌های پزشکی و پیرایشگری، چه در فضای مجازی و یا به‌صورت پوستر و نصب در تابلوهای تبلیغاتی شهری، باید با اجازه سازمان نظام پزشکی انجام گیرد. براساس قانون هم تزیین پوناکس و ژل و امثال آن در آرایشگاه‌ها، مداخله غیرمجاز در امور پزشکی و قابل پیگرد قانونی است. خدماتی از جمله لیزر لاسر، سولاریوم، تزیین ژل، عمل زیبایی و... هم مجوز پزشکی می‌خواهد و باید از سوی پزشک متخصص و یا ناظر پزشک متخصص صورت بگیرد. مداخله اصناف آرایشگری در امور پزشکی علاوه بر مجازات حبس و جزای نقدی، بلیمب و تعطیلی محله کسب، توقیف و ضبط ابزار جرم را نیز به‌دنبال دارد.

**انواع خدمات غیرقانونی در آرایشگاه‌ها**

- میکرونیولینگ (جوانسازی پوست با تزریق)
- لیزر برداشتن خال
- تزیین ژل و پوناکس
- فروزش انواع داروهای لاغری و شیمیایی

**وزگی آرایشگرهای پزشک‌نما**

- دانشمند کاف و تخصص‌ناظر
- استفاده از مواد نامرغوب و بی‌کیفیت
- استفاده از ابزارها و وسایل نامرغوب
- رعایت نکردن شرایط بهداشتی



**دو هفته ۲۰ آذر ۱۳۰۲ - هفته ۱۷**

**تندرستی**

**عدد خبر**

**۶۷**  
قلم

داروی فاقد پوشش بیمه‌ای، تحت پوشش صندوق بیمه‌ای‌های صمد اسماعیل کاملی، مدیرکل خدمات تخصصی سازمان صفا سلامت، تا ۲۰ میلیون نفر دارای بیمه‌های خاص، صمد الصلح و نادر، در این صندوق نشان داد شد.

**عازضه**

پرخاشگری و بروز رفتار ضد اجتماعی، نارسایی قلبی و گندیدگی، کوتاهی قه و بزرگ شدن سینه در مردان و پریموس و خشونت صدا در زنان، نتایج سوءمصرف قرآوردده‌های آرایشگاه‌ها هومرومن است که در باشگاه‌ها استفاده زیادی دارد.

**یکه**

**تفاوت‌های غم و افسردگی**

برخی از مفاهیم با هم استفاده می‌شوند و به همین دلیل، باعث می‌شوند تا آنها را به جای هم مورد استفاده قرار بدهیم. حالا شاید گاهی به عنوان مترادف نیز استفاده شوند، اما طبیعتاً تفاوت‌های زیادی با هم دارند. ۲ مورد از این مفاهیم، افسردگی و غم هستند. در حالی که این تفاوت‌ها با هم دارند، اما غالباً مردم آنها را یکسان تصور می‌کنند. به همین دلیل نمی‌دانند چه زمانی باید به روان‌پزشک مراجعه کنند و چه زمانی باید منتظر ماندن تا این‌ها منتهی به فروزش‌های بزرگ این دو زمان حوضش است؛ افسردگی طولانی‌تر و ماندگارتر است. اما غم کوتاه‌تر و اندوه‌زودگذر، به‌طور موقتی گسستگی، روان‌پزشک در این زمینه‌ها با هم، غم و اندوه، حالتی عاطفی دارد که با احساس ناراحتی و خلق و خوسوی بد می‌توان آن را شناسایی کرد. این عاطف کلاً طبیعی لغمد می‌شوند و اکثرش به‌رویداده‌ها جانشی است. اما غم و غمبار... به‌گفته این روان‌پزشک احساس نامیدی یا بدبینی، احساس گناه، درماندگی می‌آرزنی و... می‌تواند از نشانه‌های افسردگی باشد.

**دانشتیها**

**تند خبر**

**۱۴**  
میلیون سال

طبق یافته‌های یک پژوهش جدید، از آخرین باری که دی اکسید کربن اتمسفر زمین با سطح امروزی برابر بود، ۱۴ میلیون سال می‌گذرد. این یافته‌ها از آینده‌های تاریک برای اقلیم زمین خبر می‌دهند. دانشمندان در این مطالعه به بررسی علائم زمستی زمین شیمیایی گذشته‌ها دور پرداختند.

**۶۲**  
درصد

براساس مطالعه جدیدی که در مجله دارویی نیچر منتشر شده، محققان مرکز سرطان «پیتز مک کالموم» در استرالیا متوجه شدند که وقتی داروی Divarasis را در روی درمان سرطان دیگری که «سوتوکسی‌مب» نام دارد ترکیب شد، ۶۲ درصد از بیماران مبتلا به تومورهای ناشی از جهش در ژن KRAS نتیجه مثبتی را تجربه کردند.

**خبر**

**تولید اندام روباتیک با چاپگر سه‌بعدی**

فلوری چاپ سه‌بعدی در سال‌های اخیر پیشرفت‌های بزرگی را تجربه کرده است و می‌تواند به‌صورت هم‌چنین از اجزای پزشکی کوچک گرفته تا قطعات ساختارهای مکانیکی بزرگ را تولید کند. این فناوری همچنان یک چالش باقی مانده، مانند ساخت دستگاه‌های مکانیکی پیچیده که در بدن بافت‌ها و قطعات متحرک متعددی نیاز دارند. بنابراین، مهندسان یک چاپگر جدید طراحی کرده‌اند که می‌تواند بافت‌ها را تولید کند. این چاپگر می‌تواند سفت و قوی باشد، اما در عین حال نرم و انعطاف‌پذیر باشد. این چاپگر می‌تواند سفت و قوی باشد، اما در عین حال نرم و انعطاف‌پذیر باشد. این چاپگر می‌تواند سفت و قوی باشد، اما در عین حال نرم و انعطاف‌پذیر باشد.

**گزارش** عمادالدین قاسمی بنام روزنامه‌نگار

حدود آسمان پیش مفهوم متاورس به‌عنوان ترکیبی از واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و واقعیت ترکیبی، باعث شد تا کمپنی‌های تاجات قربانیان فاجعه جنسی کودکان آن را محفل‌کننده فعالیت خود بمانند. به گزارش کاربین، این غول فناوری اعلام کرده که رمزگذاری چودک‌های بیامی مستقیم‌ها در پیگیری فیسوگک و مستخر برای بیش از یک میلیارد دلار آغاز شده است. طبق این تغییرات، مادیگر به‌محتوای بیامی‌ها که کاربران ارسال یا دریافت می‌کنند مستر می‌شوند، ثابت شده که اینک به‌پای از کاربران پیامی را به‌شک گزارش دهد. در نتیجه، پیام‌ها مشمول تعدیل محتوا نمی‌شوند. هرچند، گزارش‌ها شوند که شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی معتمد به‌شاملی و گزارش فعالیت‌های توهین‌آمیز و جرم‌ها هستند.

گزارش‌ها با تبدیل متن و تصاویر به رمزهای غیرقابل خواندن که پس از دریافت، رمزنگاری نمی‌شوند، محتوای پیام‌ها را هم‌چنین به‌جز فرستنده، گیرنده و مودم در نظر می‌گیرد. هر کسی که در فرآیند ارسال و دریافت پیام‌ها درگیر است، می‌تواند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کند. این موضوع، نگرانی‌های امنیتی را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند. این موضوع، نگرانی‌های امنیتی را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند.

**متاورس در کما**

پدیده‌ای که قرار بود فضای مجازی را متحول کند، با فوولی عجیب روبه‌رو شده است



**گزارش** عمادالدین قاسمی بنام روزنامه‌نگار

حدود آسمان پیش مفهوم متاورس به‌عنوان ترکیبی از واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و واقعیت ترکیبی، باعث شد تا کمپنی‌های تاجات قربانیان فاجعه جنسی کودکان آن را محفل‌کننده فعالیت خود بمانند. به گزارش کاربین، این غول فناوری اعلام کرده که رمزگذاری چودک‌های بیامی مستقیم‌ها در پیگیری فیسوگک و مستخر برای بیش از یک میلیارد دلار آغاز شده است. طبق این تغییرات، مادیگر به‌محتوای بیامی‌ها که کاربران ارسال یا دریافت می‌کنند مستر می‌شوند، ثابت شده که اینک به‌پای از کاربران پیامی را به‌شک گزارش دهد. در نتیجه، پیام‌ها مشمول تعدیل محتوا نمی‌شوند. هرچند، گزارش‌ها شوند که شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی معتمد به‌شاملی و گزارش فعالیت‌های توهین‌آمیز و جرم‌ها هستند.

گزارش‌ها با تبدیل متن و تصاویر به رمزهای غیرقابل خواندن که پس از دریافت، رمزنگاری نمی‌شوند، محتوای پیام‌ها را هم‌چنین به‌جز فرستنده، گیرنده و مودم در نظر می‌گیرد. هر کسی که در فرآیند ارسال و دریافت پیام‌ها درگیر است، می‌تواند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کند. این موضوع، نگرانی‌های امنیتی را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند. این موضوع، نگرانی‌های امنیتی را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند.

تولد فضای مجازی و متاورس، از آن‌سوی که در ادامه به‌راحتی پذیرفته شده است، از آن‌سوی دیگر، نگرانی‌ها را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند. این موضوع، نگرانی‌های امنیتی را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند.

تولد فضای مجازی و متاورس، از آن‌سوی که در ادامه به‌راحتی پذیرفته شده است، از آن‌سوی دیگر، نگرانی‌ها را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند. این موضوع، نگرانی‌های امنیتی را در میان کاربران افزایش داده است. کاربران می‌توانند به‌راحتی به‌محتوای پیام‌ها دسترسی پیدا کنند.



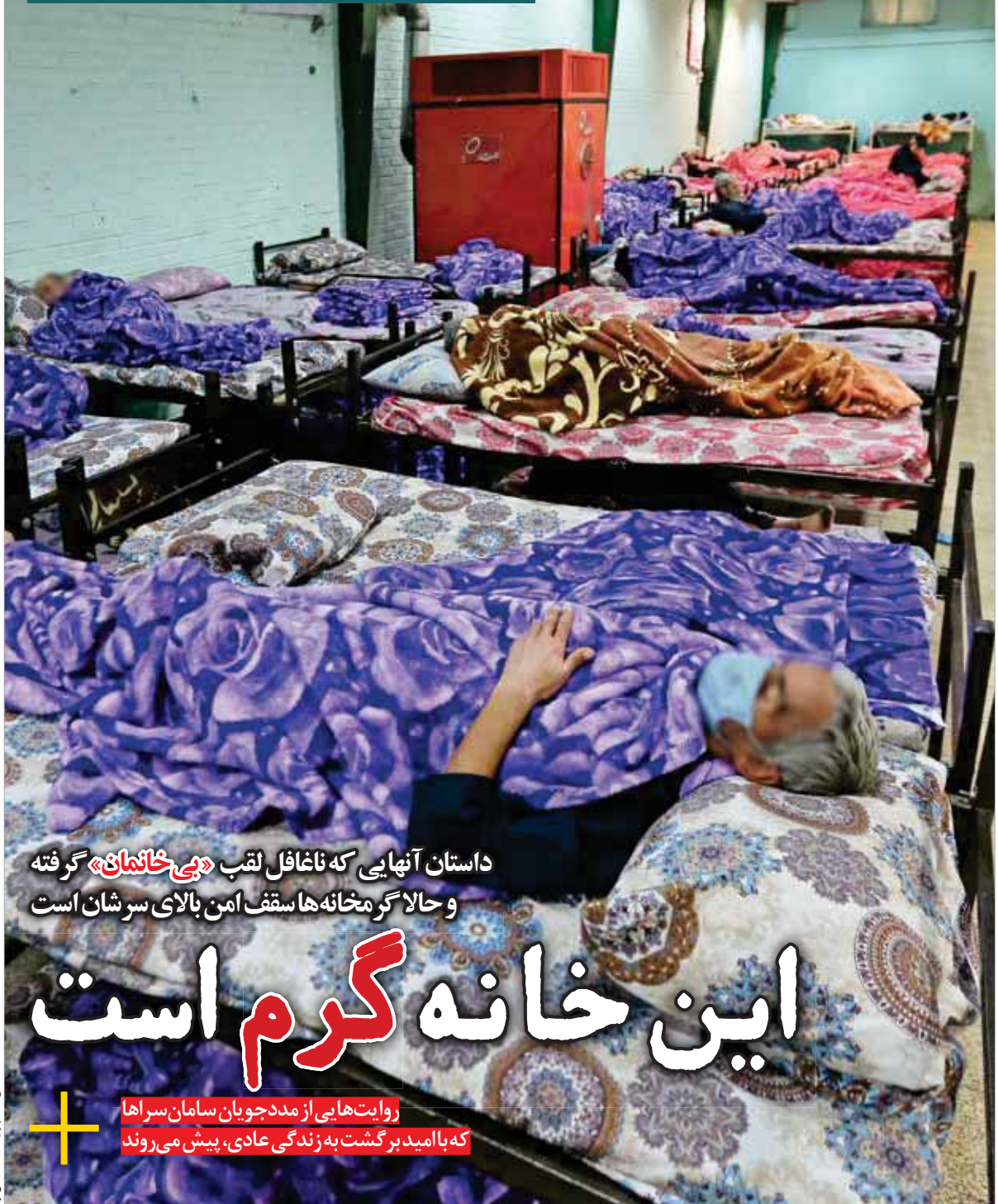




# داستان

دوره جدید • شماره ۹ • صفحه ۸  
دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲ • ۱۱ دسامبر ۲۰۲۳  
ضمیمه شماره ۸۹۶۸ روزنامه

همشهری



داستان آنهایی که ناخاف لقب «بی خانمان» گرفته  
و حالا گر مخانه‌ها سقف امن بالای سرشان است

## این خانه گرم است

روایت‌هایی از مددجویان سامان سراها  
که با امید برگشت به زندگی عادی، پیش می‌روند

# این خانه گرم است

حرف بزنند. بیشتر اطرافیان و آشناپانش مثل خودش افراد بی خانمانی بودند که بسیاری از آنها حتی حوصله حرف زدن با کسی را هم نداشتند؛ همیشه مانند خود او چشمشان به سطل های زباله بود و گوشه و کنار کوچه ها و خیابان ها را می کاویدند تا چیزی برای خوردن و گرم کردن خود در شب های سرد و طولانی داشته باشند. تا اینکه پیرمردی شیک پوش را دید. فکر نمی کرد پیرمرد هم با این سر و وضع تمیز و پاکیزه، مثل خودش بی خانمان و کارتن خواب باشد. حدسش تا حدی درست بود؛ چون پیرمرد شیک پوش هم مثل او و خیلی های دیگر که در این سال ها شناخته بود، از مال دنیا و خانه و زندگی چیزی نداشت اما انگار جایی برای خواب داشت که مثل خانه بود و نمی گذاشتند در شب های سرد سال کنار پیت حلبی یا دور آتش بنشینند و تمام وجودش بوی دود و رنگ سیاهی به خود بگیرد و سر و وضعش بشود مانند بقیه کارتن خواب ها که قیافه شان از چند فرسخی داد می زد اینها شب را کنار خیابان گذرانده اند و حتی رنگ پاکیزگی را هم ندیده اند. پیرمرد شیک پوش حتما رازی با خود داشت. باید سراغ او می رفت و از این راز سردرمی آورد.

اگر اوایل بی خانمانی اش بود و هنوز امید بازگشت به زندگی سابق را داشت، هرگز این کار نمی کرد. دوست نداشت ناتوانی اش در جمع و جور کردن زندگی اش را پیش همه جار بزند. هنوز ته مانده های از غرور سال های جوانی در وجودش بود که باعث می شد کمتر سفره دلش را پیش این و آن باز کند. اما حالا شرایط کاملا فرق کرده بود. سرمای شب های طولانی بدجوری اذیتش می کرد. وقتی روی زمین سرد می خوابید، انگار روی دستگاهی خوابیده است که کار این دستگاه، انتقال همه سرمای زمین به بدن او است و قرار است تمام حجم سرمای سخت و جانکاه را به همه وجود او متصل و تزریق کند.

این فکر زمانی سراغش آمد که صبح ها با طلوع آفتاب و گرم شدن نسبی زمین، بدن او هنوز سرد بود و پاهایش انگار یخ زده و قرار نیست با این آفتاب بی رمق و کم جان، به این زودی ها جان بگیرد و گرم شود. بعدها به این نتیجه رسید که سرما در یکی از این شب های طولانی و سرد در وجودش رخنه کرده و بخشی از وجودش شده است که حالا حالا نمی خواهد رهايش کند؛ شاید هم برای همیشه با او بماند. ته مانده غرورش را کنار گذاشت و همه این فکرهایش را برای پیرمرد تعریف کرد. پیرمرد که انگار همه این سختی ها را قبلا تجربه کرده باشد، لیخند تلخی زد و دست او را گرفت و آورد جایی که اسمش گرمخانه بود و واقعا گرم بود و در آن، از سرمای استخوان سوز شب های سرد و طولانی زمستان خبری نبود. زمستان پشت پنجره بود و داخل سالن چنان گرم بود که او مدام با خود بگویند این خانه گرم است؛ آنگاه چه آن خانه خاطره انگیز خودم نیست.

خاطره سرمای استخوان سوز که در جان و دلش رخنه کرده بود، به این زودی ها نمی خواست تن نجور، نحیف و سختی کشیده اش را رها کند. با آنکه یک هفته ای می شد از شر شب های سرد و هوای سوزناک پارک نسترن خلاص شده بود اما وقتی چشم روی هم می گذاشت، خود را پشت شمشاد های پارک می دید که روی زمین در خود مجاله شده و دارد مثل بید از سرما می لرزد.

سرمای سخت شب های پارک چیزی نبود که با آن آشنا باشد؛ سال ها با این سرما کنار آمده بود و خود را با شرایط نامعلوم آب و هوا وفق می داد؛ به محض تاریک شدن هوا، گوشه دنجی در پارک پیدا و مقوایی را گوشه ای پهن می کرد و در خود مجاله می شد. همیشه یکی دو دست لباس ضخیم از روی هم می پوشید که شب ها سرما اذیتش نکند. اصلا یکی از دلمشغولی هایش از وقتی که خانه و کاشانه اش را از دست داده و آواره کوچه و خیابان شده بود، همین شده بود که همیشه چشمش در سر کوچه ها و خیابان ها و داخل سطل های زباله دنبال چیزی برای پوشیدن باشد. همیشه خدا هم چیزهایی پیدا می کرد که در شب های سرد زمستان به کارش بیاید. لباس های معمولی هر کدام به رنگ و مدلی جداگانه بود و او اهمیتی به این موضوع نمی داد.

مهم این بود که همین لباس های زیاد و هر چند رنگارنگ، او را در مقابل شب های سرد و سرمای استخوان سوز زمستان مقاوم می کرد. بارها از خود پرسیده بود تا کی می تواند با این شرایط برابر سرمای شب های طولانی و سرد سال دوام بیاورد. پاسخ روشنی به این سؤال همیشه خود نداشت. هنوز امیدوار بود روزگار با او از در سازش در بیاید و رنج های دوران بی خانمانی اش روزی به پایان برسد.

هر چند وقتی در حال و روز و احوال خود دقیق می شد و می دید روز به روز توانش مقابل سرما و گر سنگی کم و کمتر می شود، بیش از پیش نگران می شد. با این حال، می خواست همچنان امیدوار بماند و امیدش را از دست ندهد؛ چرا که می دانست بعد از مرگ همسرش و سکنه ناقصی که زندگی او را زیر و رو کرده و تنها سرمایه اش همین امید است که باید تا زمانی که زنده است با خود داشته باشد. فقط نمی دانست چگونه و از کجا شروع کند تا از بلا تکلیفی در خیابان های شهر نجات پیدا کند. وقتی موقعیت و شرایط خودش را می سنجد، می دید روز به روز وضع و حالش بدتر از قبل می شود و با سرعت دارد به سمت فقرها می رود و اگر زودتر نجنبند، دیگر امیدی به نجات خودش نخواهد یافت. اما در این خانه نجات کدام سو بود که او هر چه نظر می کرد، نمی دید.

برای عبور از این آشفتگی خیال، عادت قبلی خود در کناره گیری از اطرافیان را کنار گذاشت و به هر که می رسید، می پرسید در خانه نجات از این روزها و شب های سخت و بلا تکلیفی کدام طرف است. البته سعی می کرد با هر کسی به زبان خودش

## فضاهای دنج برای بی خانمان ها

نام و موقعیت گرمخانه های شهری در تهران (سامان سراها) - این روزها برای خیلی از افراد بی خانمان آشنا و جایی برای استراحت شبانه آنهاست تا از سرمای شب های پاییز و زمستان در امان بمانند. موقعیت مکانی اغلب گرمخانه ها در محیط های خانگی شهر است و مسئولان کوشیده اند فضاهای دنجی در گوشه و کنار شهر را به این موضوع اختصاص دهند. برای نگهداری افراد بی خانمان، کارگردان این مکان ها صرفا برای نگهداری شبانه این افراد است؛ یعنی تیم هایی هستند که ساعت شش افراد بی خانمان را از سطح شهر جمع آوری می کنند و تا صبح در راه باز می کنند که آنها به سر کارشان بروند و دوباره شب می توانند به آن مکان برگردند و یا برنگردند. جمع آوری و کنترل این افراد معمولاً توسط تیم ۱۲۷ و سازمان رفاه و نوسازی اجتماعی شهرداری انجام می شود. بعضی از افرادی بی خانمان که با خدمات این مراکز حمایتی آشنایی دارند، معمولاً شب های سرد پاییز و خصوصاً زمستان را در این مکان ها می گذرانند و از خدماتی مانند دوش گرفتن و غذا و معال استراحت رایگان بهره مند می شوند.



## یک سقف



در آن، جامی داد تا در مواقع گرسنگی شرمنده شکم خالی خود نباشد. کم کم داشت رنگ و بوی غذاهای خانگی را فراموش می کرد. هر چه از ته مانده غذای دیگران به دستش می رسید می خورد و دیگر برایش فرقی نداشت از آن غذا خوشش بیاید یا نه. از روزی که ساکن خیابان ها شده بود، دیگر آشپزی نگرده و بیشتر مواقع هم غذای گرم نخورده بود. اوایل فکر نمی کرد به این شرایط سخت عادت کند اما به مرور روزهای خوش کنار خانواده بودن را فراموش کرد و شد یکی از آنهایی که روز و شب خود را در خیابان ها می گذراند. هنوز دوست نداشت صفت بی خانمان را برای خود قبول کند. بارها به مادرش قول داده هر چه زود تر به خانه بر می گردد اما این قول سست او ماه به ماه به تعویق افتاده بود و حالا کم کم داشت باورش می شد که دارد مثل بی خانمان ها زندگی می کند و سختی این شرایط روز به روز طاقتش را کم می کند. دوست داشت شب ها جایی برای خواب داشته باشد و اگر غذای گرم هم قبل از خواب نصیبش می شد که دیگر خوشبختی اش در این سال های بی خانمانی تکمیل می شد. از این فکر خنده اش می گرفت. فکر نمی کرد روزی به داشتن جایی برای خواب و غذای گرم قبل از خواب بگوید خوشبختی اما از مدت ها قبل این فکر ملکه ذهنش شده بود که همین داشتن یک سقف برای خواب و خوردن یک وعده غذای گرم قبل از خواب بسرای او و امثال او می تواند نوعی خوشبختی باشد. خوشبختی مگر چه تعریف دیگری می توانست برای او و بقیه بی خانمان های شهر داشته باشد. رویاها و آرزوهای دور و دراز و فراتر از همین خواسته کوچکی که او آسایش را در ته ذهنش خوشبختی گذاشته بود، آنقدر دور و دراز و دست نیافتنی بودند که حتی به خودش زحمت نمی داد درباره آنها فکرش را مشغول کند. هر چند بعضی مواقع ناخواسته ذهنش درگیر رویاهای شیرین و آرزوهای چشمت می شد و بعد مثل خوابزده ها به خود نهیب می زد که ول کن این فکرهای دور و محال را و به فکر جایی برای به صبح رساندن این شب سرد باش که معلوم نیست نصف شب برف و باران ببارد یا توفان بیاید و هر چه خاک و خاشاک است روی سرت آوار کند. آنقدر تجربه های تلخ و دردناک از گرفتاری در نیمه های شب و ساعات سرد و تاریک شبانه داشت که یکباره برف و باران غافلگیرش کرده بود و بعد تا صبح خیس و لرزان چشم به آسمان دوخته بود که آیا ابرهای حامل باران و برف از بالای سرش می گذرند یا تا صبح می خواهند شرشر بر سرش ببارند و او را خیس و کلافه تر از قبل کنند و نگذارند خواب به چشم هایش بیاید. یاد آوری این تجربه های تلخ تصمیم او را برای قبول پیشنهاد ننه رفعت جدی تر کرد. چند روزی صبر کرد اما از ننه رفعت فعلاً خبری نبود. احساس کرد حالا که او به این بیزینس رونق و مهربان نیاز دارد، چرا باید غیبش بزنند. از این و آن وزن های کار تن خواب سراغ ننه رفعت را گرفت و سفارش کرد که اگر کسی خبر داشت به او هم اطلاع دهد. هنوز یک هفته از رفتن ننه رفعت نگذشته بود که بیزینس آمد. منبزه را که مضموم و جدی دید، دستش را گرفت و پرده به گرمخانه ای که قولش را به منبزه داده بود. آن روز وقتی شب از راه رسید، منبزه هم سقفی بالای سر داشت و هم تختی برای خود که گرم و نرم بود و می توانست تا صبح با خیال راحت بخوابد و موقع خواب به مادرش فکر کند که اگر می شنید دخترش یک سقف و یک تخت برای خوابیدن دارد کمی و تنها کمی از نگرانی اش کم می شد.

ننه رفعت گفته بود می برمت جایی که شب ها سقفی بالای سرت باشد و غذایی گرم قبل از خواب بخوری که دیگر تا صبح صدای قار و قور شکمت مانند سمفونی ناموزون قور باغچه های پر که در دل شب نیچد و آسوده و راحت تا صبح بخوابی و دیگر ترسی از باد و باران نداشته باشی. منبزه حرف های ننه رفعت را شنیده بود اما جدی نگرفته بود. از این حرف ها ز باد از این و آن شنیده بود. باور نمی کرد حرف های ننه رفعت درست باشد. اگر راست می گفت ننه رفعت چرا خودش به آن جایی که این همه تعریفش را می کرد و می گفت اسمش گر مخانه است و از کسی هم پولی نمی گیرد، نمی رفت. ننه رفعت آواره تر از منبزه بود. هر شب در گوشه های از شهر بود و با همه زن های کار تن خواب و بی خانمان آشنا بود و دوست داشت برایشان مادری کند. هر چند همیشه دستش خالی بود و خودش از زن های دیگر لباسی کهنه برای پوشیدن و پسمانده غذایی برای خوردن طلب می کرد. در مقابل، سنگ صبور زن های کار تن خواب و بی خانمان بود. از هر کاری که از دستش بر می آمد کوتاهی نمی کرد. خودش همیشه تعریف می کرد برای بسیاری از زنان کار تن خواب جایی برای خوابیدن و حتی کار و پیشه ای فراهم شده که شاغل باشند و گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند.

ننه رفعت حرف هایش را زده و رفته بود اما منبزه دلش مثل سیر و سر که می جوشید که برای یکبار هم که شده به حرف های ننه رفعت گوش کند و برود لافاقل در این شب های سرد که با آمدن زمستان سرد تر هم شده بود، جایی برای خوابیدن و در امان بودن از باد و باران داشته باشد. از وقتی در دام اعتیاد گرفتار و از خانه بیرون زده بود، همیشه دوست داشت جایی مانند خانه داشته باشد و شب ها آنقدر دچار ترس و اضطراب و کابوس نشود. در این جور مواقع، بیشتر از آنکه به فکر خودش باشد به فکر مادر پیر و زمینگیرش بود که همیشه خدا نگران او بود. چند باری که با موبایل یکی از زن های کار تن خواب با مادر خودش تماس گرفته و سعی کرده بود فکر و خیال نگران او را از بابت وضعیت خودش راحت کند، مادرش حرف های او را جدی نگرفته و پشت تلفن با صدای بلند گریه کرده بود. نگرانی های مادر همیشه جلوی چشمش بود؛ مادر بارها گفته بود وقتی ایر به آسمان می آید نگران تو می شوم. می ترسم سردت شود. برف و باران ببارد خیس شوی یا توفان شود و جایی برای پناه گرفتن نداشته باشی. بارها به مادر گفته بودم قریبوت برم این قدر نگران من نباش. من بدم مواظب خودم باشم. موقع برف و باران زیر سقفی بروم که خیس نشوم یا وقتی شهر توفانی می شود، در جایی پناه بگیرم که توفان اذیتم نکند. اما ته دلش می دانست که این حرف ها را برای دلخوشی مادر پیر و زمینگیر خود می زند و موقع برف و باران سقفی ندارد که از خیس شدن و سرماهای بعد از آن در امان بماند یا در مواقعی که توفان های سهمگین شهر را در هم می نوردد، جایی برای پناه گرفتن ندارد. با این حال، به سخت جانی و مقاومت زیاد خود در برابر شرایط سخت جوی عادت کرده بود. ابرهای سیاه که در آسمان پیدا می شد سعی می کرد خود را به زیر یک تیرک ترین پل در مسیرش برساند اما فقط گاهی موفق می شد و در بیشتر مواقع برف با باران غافلگیرش می کرد و مثل موش آب کشیده می شد با کوله رنگ و رو رفته و مندرس که همیشه خندار روی دوشش داشت و هر چه برای خوردن پیدا می کرد

همیشه

داستان

۲۰ آذر ۱۴۰۲ ●  
دوره جدید ● شماره ۹  
صفحه ۸

# قصه‌های

هر یک از ساکنان گرمخانه‌ها با هم‌دیگر همسایه هستند و نیستند، چون بسیاری از آنها از سر ناچاری و استیصال، یک شب در یک جمع زیر یک سقف می‌خوابند و ممکن است فردا شب دیگر هم‌دیگر را نبینند. شاید هم هر شب چشم در چشم هم شوند و سلام و علیکی بین آنها رد و بدل شود، هر چند معمولاً بسیاری از آنها دل و دماغی برای احوالپرسی با افراد شبیه هم را ندارند و بیشتر با خودشان درگیرند و به مشکلات و بندیاری‌ها پایشان فکر می‌کنند تا اینکه خواهند از احوال اطرافیان خود با خبر شوند و بای درددل هم‌دیگر بنشینند. با این حال، اغلب آنها یک وجه مشترک با هم دارند و شباهت‌های زیادی در سرگذشت‌شان وجود دارد؛ بندیاری، گیر کردن در



## ما همه اینجا مهمان هستیم

اسمش را خانم‌های گرمخانه گذاشته‌اند «مامان‌جان»، ۵۰ سالی سن دارد و با دختر ۱۸ ساله‌اش ۲ هفته‌ای می‌شود که به گرمخانه مراجعه کرده است. یکی از خانم‌ها دلیل بی‌خانمان شدنش را می‌پرسد. بیکاره درددل مامان جان شروع می‌شود. اول آه بلندی می‌کشد و بعد می‌گوید: «خونه‌مون را بالا کشیدن» مامان جان داروهای اعصاب و سردرد مصرف می‌کند. دخترش مینا اما داستان را دقیق‌تر تعریف می‌کند. اینکه حدود یک‌سال قبل، مادر بزرگش که در خانه او زندگی می‌کردند، به یکی از آشنایانشان و کالت‌نامه داده و او هم خانه را فروخته است. به همین راحتی و حالا مدتی است که خریدار، مامان‌جان و دخترش مینا را از خانه بیرون کرده است. مینا روزها در تولیدی کار می‌کند و مادرش در گرمخانه می‌ماند، چون بیماری او اجازه نمی‌دهد خیلی تحرک داشته باشد. مسئولان گرمخانه هم با توجه به شرایط او به این زن درمانده و مریض‌احوال اجازه ماندن داده‌اند. حرف‌های مینا که به اینجا می‌رسد، زن جوانی از روی تخت بالایی به حرف می‌آید: «من ۷ ماه پیش نمی‌دانستم که همچین جایی هم وجود دارد. سر خانه و زندگی‌ام بودم». داستان او عجیب نیست؛ به خاطر سود بیشتر خانهاش را فروخته و همه دارایی‌اش را به یکی از دوستانش داده، غافل از اینکه این نقشه‌ای بوده تا همه دارایی او را بالا بکشند؛

حالا هم دنبال کارهای شکایت است. دوست ندارد درباره جزئیات زندگی‌اش بیشتر توضیح دهد و همه می‌دانند که او هم مثل بقیه در زندگی بد آورده و سر از گرمخانه در آورده است. مامان‌جان آه دیگری می‌کشد و می‌گوید همه ما اینجا به‌طور موقت مهمان هستیم و به‌زودی به خانه خودمان بر می‌گردیم؛ اگر چه آن خانه می‌تواند اجاره‌ای و کوچک باشد؛ نه مثل خانه خودمان که بزرگ و مال خودمان بود. البته بود و حالا نیست. خیلی‌ها هم آه می‌کشند و بعد سکوت می‌شود.



## در این سرپناه امنیت داریم

آخرهای شب و قبل از اینکه برق‌های سالن خاموش شود، قصه‌های ساکنان گرمخانه هم اوج می‌گیرد و بیشتر از گذشته و خاطرات خود می‌گویند و از شانس بدی که در زندگی آورده و دار و ندارشان را به باد داده‌اند. برای همین، تعداد مالباخته‌ها در گرمخانه زیاد است. در میان آنها اما افراد شاغلی هم هستند که برای پیدا کردن کار، از شهر خود بار سفر بسته و به پایتخت آمده‌اند و چون هزینه‌های اسکان در تهران گران است، پایشان به گرمخانه باز شده است. محبوبه یکی از آنهاست. دختر ۲۵ ساله‌ای که پرستار است و از یکی از شهرهای شمالی کشور به امید حقوق بیشتر راهی تهران شده است. خواهران محمدی هم هستند، خواهرانی که کتاب از دستشان نمی‌افتد. هر دو روی تخت‌هایشان نشستند و کتاب می‌خوانند. یکی از خواهران می‌گوید: «در شهر خودمان کار پیدا نکردیم». از لابه‌لای صحبت‌هایش می‌شود فهمید که آدم باسوادی هم هست. مدرک کارشناسی ارشد دارد و با خواهرش حالا یک ماهی است که در تهران هستند. هر دو خواهر امیدوار هستند که کار خوبی پیدا کنند تا از گرمخانه بروند. زندگی در گرمخانه برایشان سخت است. با این حال یکی از خواهران می‌گوید: «شب‌خوابیدن در اینجا بهتر از ماندن در خیابان است. اینجا امنیت داریم». زهرا زن میانسال گرمخانه به گوشه و کنار سالن چشم می‌دوزد. به دست‌هایش نگاه می‌کند که باید حالا‌حالا کار کند. حتی در سالن گرمخانه که هر یک از مدجویان وظیفه‌ای در آن دارند. در اطراف، کاشی‌های سفیدرنگ حمام و دستشویی تمیز است. صبح و شب شیفت هر کدام از مدجوهاست که حمام، دستشویی، حیاط

و سالن‌ها را تمیز کنند و تی بکشند، اگر کارها خوب انجام نشود، مددجو اجازه خروج ندارد. زهرا خانم در این کار هم وظیفه‌شناس است و به‌موقع کارهای گرمخانه را انجام می‌دهد و البته بقیه زن‌ها هم مانند او هستند؛ هر چند گاهی دل و دماغ هیچ کاری را ندارند؛ حتی دست‌کشیدن به سر و وضع خود را که قیافه‌شان را متمایز کند از آنچه به سرشان آمده است.

## دلایل و تاریخچه تأسیس گرمخانه‌ها

تأسیس گرمخانه یکی از سیاست‌هایی است که در راستای کنترل پدیده بی‌خانمانی که یکی از پیامدهای گسترش شهرنشینی و فقر شهری است، تعریف می‌شود. عنوان بی‌خانمان‌های شهری که در زمره فقرای شهری محسوب می‌شوند، به افرادی اطلاق می‌شود که مکان ثابت برای اقامت شبانه خود ندارند و عموماً در میادین و پارک‌ها به سر می‌برند و یا در برخی اماکن دولتی ساکن‌اند. احداث گرمخانه در تمامی کشورهای جهان به‌عنوان یکی از سیاست‌های کنترل این موضوع در نظر گرفته شده است. در تهران این مسئله از سال ۸۲ پیشتر مورد توجه قرار گرفت؛ زمانی که به دلیل وجود سرمای شدید و بی‌توجهی نسبت به عواقب آن، چند نفری در سطح شهر تهران جان سپردند و این موضوع در رسانه‌ها سر و صدای زیادی به پا کرد. شهرداری تهران برای کنترل بیشتر این مسئله، اقدام به احداث فضاهایی کرد که نخستین نمونه‌های آن فضاهای چادرمانندی بودند و بعد کم‌کم گرمخانه‌ها احداث شدند.



# گرمخانه

بان گرمخانه‌ها  
نارنده که خواندنی و عبرت آمیز است

شرایط سخت و ناملائمات زندگی که عرصه را بر ایشان تنگ کرده است. خانه و زندگی خود را هر چند بعضی‌ها به‌طور موقت، از دست داده‌اند و حالا باید دنبال راهی برای خروج از این بیست شرایط باشند. آنها وقتی پای به درون گرمخانه می‌گذارند تا از سوز و سرمای شب‌های سرد زمستان در امان بمانند، بعد از یک دوش و یک غذای گرم و جای داغ که می‌خورند، به‌طور موقت هم که شده نسبتاً سراسر حال می‌شوند و بعضی‌ها دوست دارند خاطراتی از زندگی پرماجرا خود تعریف کنند که شاید برای دیگران جالب و البته عبرت آمیز باشد. خاطرات و قصه‌های گرمخانه را در ادامه می‌خوانیم که به‌خاطر رعایت حال راویان، نام کامل افراد به عمد حذف شده یا اسم کوچکشان تغییر کرده است.

## آمده بودم دنبال خوشبختی اما...



شده بودند حتما سرمایه‌ای با خود آورده بودند که آنگونه زودتر وضع‌شان خوب شد. من حالا در تأمین مخارج زندگی شخصی خودم مانده‌ام و روی برگشتن به روستا را هم ندارم. خانواده‌ام، یعنی مادر و خواهرهایم فکر می‌کنند من اینجا کلی پول در می‌آورم و خبر ندارند که شب‌ها برای خودم سرپناهی هم ندارم و باید بیایم اینجا تا شب را به صبح برسانم و یک غذای رایگان هم بخورم. دوباره تلخ می‌خندند و می‌گویند: «اگر این گرمخانه نبود معلوم نبود در شب‌های سرد زمستان چه بلایی به سر من و امتثال من می‌آمد.» بعد بدون خداحافظی طرف لوبیا را برمی‌دارد و در سکوت به گوشه‌ای می‌رود.

## اینجا باهم آشنا شدیم



را بیشتر می‌کند. بهمین می‌گویند: «من با کمک دوستانم و همت خودم توانستم مواد را ترک کنم، اما وقتی بادم می‌افتد که در سرمای زمستان مجبور بودم زیر پل‌ها و کنار خرابه‌ها بچولم و مورد لعن و نفرین آدم‌هایی که از کنارم می‌گذشتند قرار بگیرم دلم می‌گردد و دوست دارم معتادانی که هنوز به نتیجه نرسیدند که مواد را کنار بگذارند کنار جوی‌ها و خیابان‌ها آواره نشوند.»

## نوازنده جوزه

مردم بنوازند. منظورش همان نوازنده‌های خیابانی بود. آنگونه بدون هیچ دردمسری می‌تواند کلی پول دربیارود. از پدر اصرار که نرود و از ناشار بافشاری که اگر نرود جلو موفقیتش را گرفته. به قول هم‌تختی کناری‌اش در گرمخانه جیتگر، یاشار جو زده شده و گرنه پدر گفته بود بالاخره هر طور شده هزینه‌های موفقیت بسر را تأمین می‌کند؛ حتی اگر شده او را تا مسابقات و جشنواره‌های کشف استعداد همراهی خواهد کرد. با این حال یاشار بی‌حساب و کتاب، خیابان‌گرد پایتخت شد؛ در میان نوازنده‌های دیگر که شاید مهارت خیلی از آنها را هم نداشت. پولی که هر شب در می‌آورد به زور یک برسن غذای گرم می‌شد. بعد از چند ماه، ناقوس سرما هم به صدا در آمد و یاشار ماند و روی نداشتن برای برگشت به خانه. در میان خیابان‌های بزرگ تهران کم شد. او که زمانی صدایش در زادگاهش خریدار داشت، دارایی‌اش تنها چند کارتن بود و یک کوله‌پشتی. گیتار را هم برای گذران امورات زندگی فروخته بود. تا اینکه ویدئوی یک شهروند از او و جو سرد اطراف محله فرخزاد نجاتش داد. همین ویدئو کافی بود تا نیروهای خدمات اجتماعی شهرداری دست به‌کار شوند و گرمخانه را موقتا سرپناه یاشار کنند با امید به اینکه دوباره یاشار بتوان بازگشت به خانه را پیدا کرده، دستاتش جان تازه بگیرند و بتواند مثل قدیم به خوبی بنوازند.

باز هم شب دیگری از راه رسیده و مددجویان خود را به گرمخانه رسانده‌اند. اینجا غذایشان معمولاً آش، سوپ، لوبیا و عدسی است و گاهی پلوخورشتی است که در ظرف‌های یکبار مصرف سرو می‌شود. مردان کنار بخاری بزرگ سیاه رنگ می‌ایستند، نوبتشان که می‌شود ظرف غذایشان را با خود می‌برند تا گوشه‌ای روزنامه‌ای بپهن کنند و بنشینند به خوردن ... «امیرعلی» جوانی از منطقه جنوب کشور است. حدود ۳۰ سال سن دارد، برای کار به تهران آمده و امشب دقیقاً غرور است که کاری پیدا نکرده و ساکن گرمخانه شده است. ظرف لوبیا را که در دستش می‌گیرد بخار غذا می‌خورد به عینک ته‌استکانی‌اش و همه‌جا را تار می‌بیند و می‌خندد. می‌گوید: «مدت‌ها همراه پدرم کشاورزی می‌کردیم و کشت و کاری داشتیم تا دست قضا پدر را از خانواده گرفت و دل و دماغ کارکردن روی زمین را از من؛ بنابراین راهی تهران شدم برای پیدا کردن کار و به‌دست آوردن پول. چند نفری از اهالی روستایمان سال‌ها قبل به تهران آمده و کار و کاسبی درست و حسابی پیدا کرده بودند. فکر کردم من هم که بیایم سرنوشتم شیشه آنها می‌شود، اما نشد.» تلخ می‌خندد.

دوباره شیشه عینکش را پاک می‌کند و می‌گوید: «از وقتی به تهران آمدم فهمیدم تصورم از تهران، کار و پول در آوردن در اینجا اشتباه بوده است. آمده بودم دنبال خوشبختی اما بدبختی تصمصم شد. فکر می‌کنم آنهايي که از روستایمان قبلا به تهران آمده و پولدار

تعدادشان کم نیست. از هر سن و گروهی در میان‌شان دیده می‌شود. هر کسی سعی می‌کند دنبال کار و دلمشغولی‌های خودش باشد. بلافاصله بعد از خوردن غذا خودشان را به تخت‌ها و یا تشک‌هایی که روی زمین پهن شده می‌رسانند و در سکوت به آینده خود فکر می‌کنند. با هم آشنا نیستند اما ته دلشان می‌گویند که با هم خوشاوندی دارند که دست روزگار هر شب آنها را به یک مکان مشترک و گرم می‌کشاند. از تقدیر دل خوشی ندارند. اکثرشان معتقدند هر بلایی که سرشان آمده از دست همین تقدیر است که با آنها سر ناسازگاری دارد. البته این حرف را می‌زنند و خودشان هم می‌دانند که برای آرامش و دلخوشی خودشان این حرف‌ها را می‌گویند. مشکل واقعی از جای دیگری است که با یک اشتباه، با یک غفلت یا شاید هم کنجگاو و هیجان شروع شده است. نگاهشان هیچ رنگی ندارد و صدای هیچ زنگی آرامش و سکوتشان را بر هم نمی‌زند. سعی می‌کنند یاهای متورم‌شان را از هم پنهان کنند و به روی خودشان هم نیاروند برای معذاتی که ترک کرده و اوایل دوران باکی را طی می‌کنند. ۳ عامل خستگی، گرسنگی و عصبانی شدن مانند سم عمل می‌کند و امکان لغزش و برگشتن به طرف مواد

همیشه‌های

داستان

۲۰ آذر ۱۴۰۲  
دوره جدید • شماره ۹  
صفحه ۸

مجموعه ۲ جلدی «حس خیابان» تجربه‌ای متفاوت از داستان‌نویسی با موضوع کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی است

## طعم تلخ کارتن‌خوابی در خیابان‌های شهر

سال‌های اخیر کم‌نویس بوده‌اند که هر کدام می‌توانست به تنهایی سوزِ خلق یک اثر ادبی ماندگار شود، اما ماحصل این سال‌ها چنگی به دل نمی‌زدند. با این حال، برخی از نویسندگان از این مسئله غفلت نکرده و آثاری را با برخی مضامین حاد جامعه‌آز جمله آسیب‌های اجتماعی خلق کرده‌اند که علاوه بر دانش‌سختن جنبه‌های ادبی قابل توجه، رویکرد آسیب‌شناسانه هم به این موضوع دارند که یکی از آثار، مجموعه ۲ جلدی «حس خیابان» به کوشش و قلم نفیسه علوی است که از سوی انتشارات سوره مهر در تهران چاپ و منتشر شده است.

**برده‌ای از کتاب «حس خیابان»  
به نظر شما حیف نبود  
برای ۲۵ تومان؟**

غروب بود، چرخ خیاطی را گذاشت کف پیاده رو، دستانتش کرخت و قرمز شده بود. کمرش را راست کرد، دست‌ها را به کمر زد، نفسش را با کمی آه درمی‌آمیخت و بلند بیرون فرستاد. اندکی درنگ کرد، چادرش را مرتب دور کمر چنان پیچید تا به دست و پایش بند نشود. تمام توتاش را به کار بست و دوباره چرخ خیاطی را از زمین بلند کرد، سرش پایین بود و استوارتر قدم بر می‌داشت. پیش رو کوچک سسرا بالایی با شیب تند برایش دهن کچی می‌کرد، پاهایش می‌لرزید، سرما سوزان بود، انگشتانش بی‌حس شده بود. چادر از روی سرش افتاد، ناگهان شانه هایش تیر کشید، به گمانم دردی بی‌رحمانه به سمت شانه هایش روانه شد. بی‌توجه به درد، همچنان قاطع و محکم قدم برمی‌داشت.

خانم... لطفاً چادر من را روی سرم بکشید، ممنونم. خدا خیرتان بدهد.

روی صورت غم زده‌اش خیره شدم و پرسیدم: «چرا ازانس خبر نکردی؟ اصلاً این چرخ خیاطی را کجا می‌بری؟»

دوباره با ناله خفیف بارش را روی زمین گذاشت. لیخندی کمرنگ روی لبانش نقش بست. چشمان بی‌فروغش ناگهان روشن شد، چه‌بیم‌بام است. خیاطی بلد نیستم، ولی توی خانه لازم می‌شود. اصلاً برای هر خانم‌ای لازم است، باید باشد. چرا بفروشم؟ مردک سمسار ۲۵ هزار تومان

قیمت گذاشت، ولی حیف است، لازم می‌شود. چند روز پیش شوهرم مردک سمسار را خیر کرد و چرخ خیاطی را فروخت. پول یک وعده مصرف موادش شد. امروز یارانه گرفتم و رفتم چرخ خیاطی‌ام را پس گرفتم. به نظر شما حیف نبود برای ۲۵ تومان؟



در ادبیات داستانی معاصر ایران بعضی رویکردها، مانند واقع‌گرایی حضور دائمی ندارد و هر از گاهی برخی نویسندگان آثاری را در این زمینه خلق می‌کنند که اغلب روایت بی‌برده از بعضی موضوعات و مشکلات و در مواردی آسیب‌های اجتماعی است. یکی از این مشکلات، موضوع بی‌خانمان‌ها در شهرهای بزرگ از جمله تهران است که بازتاب چندانی در آثار داستانی سال‌های اخیر ندارد. به بیان دیگر، داستان اجتماعی در دهه‌های اخیر، با وجود تنوع موضوعات زشت و زبیا در جامعه‌ما، چندان فربه و تأثیرگذار نبوده است. موضوعات و معضلات ریز و درشت در

گشت و گذاری در آثار داستان‌نویسان ایرانی، نشان می‌دهد که برخی موضوعات اجتماعی هر از گاهی، به این آثار ورود کرده که پیش از این چندان مورد توجه نبوده است. با این حال، برخی معتقدند: نویسندگان اجتماعی نویس در لاک خود فرورفته و از جامعه فاصله گرفته‌اند و داستان‌هایشان بیشتر رنگ و بوی فضای پیرامونی‌شان را دارد. این در حالی است که دهه اخیر، دهه فرصت‌ها برای نسل جدید نویسندگان بوده است؛ نسلی که این مجال را یافته‌اند تا با تعدد ناشران و سهولت در چاپ

نوشتن از اعتیاد به عنوان یکی از آسیب‌های پراسابقه در کشور، هم سخت است و هم آسان. سخت از این جهت که ممکن است به سمت شعارزدگی و کلیشه‌نویسی پیش رود و آسان از این منظر که پدیده‌های شناخته شده است. کتاب «حس خیابان» به نظر می‌رسد که توانسته از این فرصت بهترین استفاده را ببرد. پای حرف کارتن‌خواب‌هایی رفته که پیدا کردن ته‌سیگارهای مانده در خیابان، آرزویشان شده و قاپیدن پول مرده‌ها، تمام هم و غم‌شان.

شروع کتاب با خاطره یکی از کارتن‌خواب‌های تهران که توانسته در گوشه خیابانی، یک اتاق متروکه پیدا کند، است. «حس خیابان» از همان ابتدا دست مخاطب خود را گرفته و به پاتوق معنادان می‌برد و بی‌رودریابستی و اغراق، او را به تماشای حوادثی می‌نشانند که زیر پوست این شهر رخ داده است. در واقع «حس خیابان» مجال صحبت به کسالتی داده

سوی دیگر «حس خیابان»، آدم‌هایی هستند که ناخواسته وارد این معرکه شده‌اند. خانواده‌هایی که اعتیاد، زندگی را از آنها گرفته است. کودکانی که سر از پرورشگاه درآورده و زمانی که به ناگاه سرپرست خانواده شده‌اند. نویسنده در این بخش نیز تمام تلاش خود را کرده تا در دام کلیشه‌زدگی گرفتار نشود.

در سال‌های اخیر هرچه سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی به این معضل اشاره کرده‌اند، کتاب‌های داستانی عمدتاً خاموش بوده‌اند. با وجود این، «حس خیابان» نمونه موفق است از تلاش نویسندگان برای بازنمایی از یک آسیب اجتماعی قدیمی در کشور؛ هرچند به نظر می‌رسد برخی از خاطرات ذکر شده در کتاب می‌توانست با پرداخت بیشتر و توجه به جزئیات و توصیف جذاب‌تر ارائه

برشی از متن کتاب

### پدیده بی‌خانمانی؛ انتقالی و مزمن

پدیده بی‌خانمانی در دو دسته کلی تقسیم می‌شود: بی‌خانمانی انتقالی و بی‌خانمانی مزمن. بی‌خانمانی انتقالی مختص افرادی است که به دلیل مشکلات خاص در کوتاه‌مدت دچار این معضل شده و مجبور به زندگی در سکونت‌گاه‌ها یا خیابان‌ها می‌شوند اما با رفع مشکل، امکان بازگشت آنها به زندگی عادی وجود دارد. افرادی که دچار بیماری روانی قابل علاج هستند، بیکاران و کسانی که در آمد کافی ندارند، کسانی که در اثر مشکلات و دگرگونی‌های خانوادگی راهی خیابان‌های شوشن‌نشین معتمدان؛ همگی عموماً در این دسته جای می‌گیرند. این در حالی است که بی‌خانمانی مزمن معمولاً شامل کسانی می‌شود که به دلیل معلولیت جسمی یا دلایل دیگر کنار خیابان‌ها راه‌ها شده‌اند و هیچ امیدی به بازگشت آنها به خانه وجود ندارد. به همین دلیل آنها در درازمدت در یکی از این سرپناها قرار می‌گیرند. به این افرادی خانمان‌های رسوبی هم گفته می‌شود.

# با پسرم در پارک لادن قرار داریم



همه‌شاه‌های  
داستان

۳۰ آذر ۱۴۰۲ ●  
دوره جدید ● شماره ۹  
صفحه ۸

پارک لادن روز به روز خلوت‌تر از روزها و ماه‌های قبل می‌شد و آنهایی که از صبح تا شب بیکنار و عاقل و باطل در گوشه و کنار آن می‌پلکیدند و پارک را اتاق‌گاه دائمی خود کرده بودند دیگر کمتر در حوالی و اطراف این پارک خلوت و محصور در میان درختان تنومند دیده می‌شدند. عادت ساکنان این پارک که همان بی‌خانمان‌ها بودند، همین بود که هر سال با گرم شدن هوا به گوشه و کنار آن سرازیر می‌شدند و با سرد شدن تدریجی هوا هم به مرور پارک را خلوت می‌کردند و دنبال سرپناه‌های زمستانی بهتری در محله‌های دیگر شهر می‌رفتند. وقتی پاییز به نیمه‌های خود رسید تقریباً همه ساکنان پارک اقامتگاه‌های موقت خود در روزها و شب‌های گرم سال را ترک کرده و رفته بودند و تنها چند نفری که توان رفتن نداشتند در گوشه و کنار و پس و پیش در ختان تنومند باقی مانده بودند. آنها زیر درختچه‌های پرشاخ و برگ و چتری، فضاهای دخمه‌مانندی برای خود درست کرده بودند که بیشتر اوقات آنجا می‌خوابیدند و اغلب مواقعی که گرم‌تر و تشنه می‌شدند از آنجا بیرون می‌آمدند؛ گشت‌گذاری در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف می‌زدند؛ داخل کبسه‌ها و سطل‌های زباله سرک می‌کشیدند و از مقابل مغازه‌ها و میوه‌فروشی‌ها، پسماندها را جمع می‌کردند و دوباره به پارک و محل زندگی خود بازمی‌گشتند. چهره‌های این افراد برای اهالی محل آشنا بود. مدت‌ها بود که این چهره‌های غمگین و پریشان را می‌دیدند. گاهی دل‌شان به حال این افراد بی‌خانمان می‌سوخت و کمک‌شان می‌کردند و برایشان غذای گرم می‌آوردند و هر چه لباس و وسایل اضافی داشتند، به آنها می‌دادند. حکم همسایگی پیدا کرده بودند بدون آنکه همسایه واقعی همدیگر باشند. در میان افراد بی‌خانمان پارک لادن، مرد میانسال علیل و یک چشمی‌ای که همیشه خدا یک عصا ز برغل داشت و کوله‌ای روی دوشش بود، آشناتر از بقیه بی‌خانمان‌ها برای اهالی محله‌های اطراف پارک بود. او بعضی شب‌ها از پارک بیرون می‌آمد و کنار میدان گاه محله در گوشه‌ای می‌خوابید. اهالی هم هر موقع از کنارش می‌گذشتند، چیزی در کنار دست او می‌گذاشتند که شاید به دردت بخورد. وقتی هوا به مرور سرد و سردتر می‌شد بقیه بازمانده‌های بی‌خانمان پارک هم سراغ مکان‌های گرم و گرمخانه‌های شهر می‌رفتند اما مرد علیل و یک چشم هممان همیشه پارک و محله باقی می‌ماند. کسی از داستان زندگی او خبر نداشت. خیلی‌ها فکر می‌کردند که او رازی در دل دارد و برای همین وابستگی خاصی به این محله و پارک پیدا کرده که نمی‌تواند از آن دل بکند. حدس‌شان هم تا حدودی درست بود. این را پیرمرد شورایار محله که خودش هم تنها بود، زمانی متوجه شد که غروب یک شب سرد و برفی زمستان هنگام برگشتن از مسجد محل، مرد علیل و یک چشم را زیر لایه‌ای از برف دید. سراسر رفت؛ کمکش کرده به خانه خودش پرده غذا و لباس گرم به او داد و تا پاسی از شب پای در دلدش هایش نشست. با هم از هر دری حرف زدند و آنجا بود که پیرمرد شورایار محله از راز او آگاه شد. البته راز آنچنانی‌ای هم در میان نبود که به دیگران هم مربوط باشد. هر چه بود ماجرای زندگی خود مرد بود که او را به ماندن در پارک ترغیب و تشویق می‌کرد. او آن شب برای پیرمرد شورایار تعریف کرد که تنها پسرش این آوارگی و بی‌خانمانی را به سر او آورده و حالا هم در ایران نیست که به داد

پدر مریش و بی‌خانمانش برسد. پیرمرد شورایار از لایه‌های حرف‌های او فهمید که تنها پسر او «شهاب» نام دارد که به‌طور قاچاقی به کشور ترکیه و از آنجا هم به آلمان رفته است. برای همین قاچاقی رفتنش هم تمام اموال و خانه و زندگی مرد علیل و یک چشم را بر باد داده بود و حالا این مرد درمانده و مریض احوال را با امید برگشتنش در پارک لادن تنها گذاشته بود. مرد تعریف کرد که چندبار با موبایل یکی از آدم‌هایی که در همین پارک دیده و آشنا شده بود، با پسرش در آلمان تماس تصویری هم داشته و به او گفته که در پارک لادن منتظر او می‌ماند. پسرش هم به او قول داده بود به محض اینکه دستش باز شود و پولی فراهم کند برمی‌گردد و پدرش را به بیمارستان می‌برد و حال و روزش را بهتر از این می‌کند. پیرمرد شورایار این حرف‌ها را از زبان مرد علیل می‌شنید اما باور نمی‌کرد چون در بین صحبت‌های مرد علیل دریافت که پسرش در آلمان خودش هم گرفتار شده است؛ گرفتار موادمخدر و بیکاری و بلا تکلیفی... نمی‌داند در آن کشور غریب با آن همه گرفتاری‌ای که به سرش آمده و بدتر از همه با بی‌پولی چه کند... اوایل شب بیشتر مرد علیل حرف می‌زد و پیرمرد شورایار محله بیشتر گوش می‌داد اما زمان به‌یاد آوری خاطرات تلخ و بازگویی آنها وقتی کام و اوقات مرد علیل تلخ شد، پیرمرد شورایار سعی کرد او را به سکوت وادارد و خودش از راهکارهایی که به‌نظرش می‌رسید برای حال و روز فعلی مهمانش مناسب است، بگوید.

بعد از سکوتی نسبتاً طولانی که بین آنها برقرار شد، پیرمرد گفت: «فردا شب با حاج آقا عظیمی، امام جماعت مسجد صحبت می‌کنم که هماهنگ کنیم شما هم این شب‌های سرد زمستان را به گرمخانه شهرداری منطقه بروی... خودت دیده‌ای که همه آنهایی که با تو در همین پارک محله‌مان بودند رفته‌اند سمت گرمخانه و دیگر شب‌ها کسی آنها را در این پارک نمی‌بیند. شنیده‌ام در گرمخانه شهرداری منطقه همه امکانات فراهم است. می‌توانی هر شب دوش بگیر و دستت به سر و رویت بکشی... غذای گرم هم هر شب به مددجویان می‌دهند... از همه مهم‌تر یک تخت و پتوی گرم و نرم هم به شما می‌دهند که دیگر نگران سرمای این شب‌های سرد سال نباشید.»

مرد علیل از شنیدن این حرف‌ها خوشحال شد اما یکبار دیگر که فکرش درگیر جایی باشد، چهره در هم کشید و گفت: «اما من به پسرم قول داده‌ام که در همین پارک لادن منتظرش می‌مانم... اگر از اینجا بروم و او بیاید دنبالم بگردد و پیدایم نکند، نزاراحت می‌شود...»

پیرمرد شورایار محله نتوانست جلوی بغض و اشک خود را بگیرد و همانطور که اشک‌هایش را پاک می‌کرد، گفت: «تو به من قول داده‌ای زمستان را بروی گرمخانه شهرداری منطقه؛ من هم به تو قول می‌دهم که هر روز به پارک سر بزیم و به بقیه هم بگویم که اگر پسر ت آمد و دنبال تو گشت، به او بگویم که تو در گرمخانه شهرداری منطقه هستی و جا و مکان و حال و روزت هم خوب است.»

مرد علیل سری به نشانه تأیید تکان داد و پیرمرد شورایار بلند شد تا برود دوباره برای او جای بربزید...

# داستان

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سر دبیر: دانیال معمار

معاون ضمايم: حامد فوقانی  
دبیر ویژه نامه: علی الله سلیمی

## واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی  
صفحه آرایی: سعید غفوری، امید روشنگر  
ویرایش عکس: مرجان عبداللهیان، صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه  
ویرایشگر ویژه از دیگر همکاران موسسه همشهری

چاپ:  
همشهری  
پذیرش آگهی: ۸۴۲۲۱۰۰۰

صندوق پستی:  
۱۹۳۹۵/۵۴۴۶  
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۶۳

## همشهری

گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:  
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،  
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،  
سرزمین ماه، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،  
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۳، ترسیده به پارک وی،  
کوچه شهید فریسی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

## روایت بی پناهن

# گاهی فیلم بازی می‌کنیم

اغلب ساکنان گرمخانه‌ها حکایت‌های تلخی از گذشته و حال خود دارند



مردم سرش را روی بالش می‌گذارند و می‌خواهند خدا را بارها شکر می‌کنند. او می‌گوید: «برای بودن در گرم‌خانه پولی نمی‌دهیم و از داشتن یک وعده غذای گرم و استفاده از سرویس بهداشتی و جای خوب راضی و خوشحالمیم.» حرف‌ها و قصه‌های ساکنان گرم‌خانه که به‌طور موقت ساکن این مکان حمایتی شده‌اند بسیار است و اغلب آمیخته با حس غمناک که بوی دلنگی و غربت می‌دهد. آنها از سر اتفاق سر از این مکان در آورده‌اند و شاید روزی که خانه و کاشانه‌ای برای خود فراهم کردند از این روزها هم یادی نکنند. نه از سر دلخوشی بلکه برای یادآوری روزها و شب‌های سختی که در دوران بی‌خانمانی از سر گذرانده‌اند و آرزوی می‌کنند کسی این تجربه‌های تلخ را حتی مزمره نکنند.

از پله‌های کوتاه گرم‌خانه که به‌تازگی نامش به مددسرا تغییر کرده، بالا بروی باید کفش هایت را در بیاوری و کنار نامت در دفتر پذیرش تیک بخورد یعنی که امشب هم آمده‌ای تا مهمان گرم‌خانه شوی و بشوی یکی از ۲۰۰ مددجویی که هر شب به این خانه برمی‌گردند. ساعت دیواری چهار که نواز در گرم‌خانه بازی شود و مددجویان و بی‌خانمان‌ها روی تخت‌ها دراز می‌کشند تا به گذشته در دناک خود و آینده مبهم خود بیندیشند. گرم‌خانه ۱۲۰ تخت دارد اما ۸۰ نفر دیگر هم هستند که مجبورند روی زمین بخوابند و نامشان بشود کف خواب.

گرم‌خانه به سرویس بهداشتی مجهز است اما با توجه به تعداد زیاد مددجویان همه نمی‌توانند در یک روز از حمام استفاده کنند و معمولاً ۲ روز در میان استحمام‌شان می‌شود. یکی از بی‌خانمان‌ها اسمش فریدون است. شاید هم اسم دیگری دارد که دوست دارد در گرم‌خانه او را فریدون صدا بزنند. صدای خوبی هم دارد و آرزوی می‌کند خواننده شود. البته از نوع مجاز آن که بتواند در مراسم دوستان و آشنایان بخواند. خاطره‌های از دوران کودکی خود تعریف می‌کند و به یاد می‌آورد که در تصادفی پدر و مادرش را از دست داده است. می‌گوید: «تا مدت‌ها عمه‌ام از من نگهداری می‌کرد که بالاخره خسته و قصه آوارگی‌های من هم شروع شد.» فریدون بیکار است و این مهم‌ترین مشکل این بی‌خانمان و بقیه بی‌خانمان‌هاست. آنها می‌گویند اگر کاری با حداقل حقوق هم داشتیم دیگر نیازی نبود که در سطل‌های زباله به دنبال پسماند غذا بگردیم و نان‌های خشکی را که خانواده‌ها کنار سطل‌های زباله می‌گذارند به دندان بکشیم. «فریدون اهل خاخره تعریف کردن است. می‌گوید: «گاهی شاید ۳-۴ ماه بیکار از شهرک سینمایی می‌بیند و عده‌ای از ما را برای بازی در فیلم‌های سینمایی به عنوان سیاهی لشکر می‌برند و دستمزدی مختصر به علاوه ناهار به ما می‌دهند.» فریدون و بقیه بی‌خانمان‌ها آرزوی می‌کنند که تندتند فیلم‌های سینمایی ساخته شود و لااقل چند روزی سر کار بروند و بشوند سیاهی لشکر فیلم‌ها و شاید بعدها سرشان را بالا بگیرند و به خانواده رویاهاشان بگویند که ما هم در این فیلم بازی کردیم. با این حال، فریدون زندگی در گرم‌خانه را دوست ندارد اما همین که سر پناهی دارد و به دور از آزار و اذیت و نگاه سنگین

## سریناهی

### در دوران سالمندی

تخت‌های گرم‌خانه را  
جداسازی نکردند اما بالای  
سرت ۳-۴ تخت تابلویی است  
که با عنوان سرای رهایی،  
سرای آرامش و... مشخص  
شده است. هر یک از  
تخت‌ها یکی از مددجویان  
اختصاص یافته که آنها هم  
در کدام سرگذشت تلخ خود  
را دارند. یکی از این افراد  
کریم ۲۶ ساله است که روی  
یکی از تخت‌ها با گوشه‌ی  
همراهش بازی می‌کند. او  
مشاور املاک بوده و پس  
از جدا شدن همسرش  
همراه با مادر پیرش در خانه  
خواهرشان زندگی می‌کرده  
که اتفاقاتی باعث سکونت  
او در گرم‌خانه‌های شهر  
شده است. کریم می‌گوید:  
«مادر را به خانه سالمندان  
سپردم و در بازگشت به خانه  
دائماً زان‌ها را بهم تکان می‌دهد و گفت  
همه اسباب و اثاثیه را دور  
ریختم. «کریم از عمه پیش  
ساکن گرم‌خانه شده است و  
از ساعت ۶ صبح که مجبور  
است گرم‌خانه را ترک کند  
در خیابان‌ها آواره است و  
غذای خود را در سطل‌های  
زباله جست‌وجوی می‌کند.

## روایت تصویری

